

Imam Musa Sadr's Dialogue according to Communication Ethics

Fatemeh Hajhashem^۱
Masomeh Esmaeili^۲
Qolam Reza Zakiani^۳
Mohammad Asgari^۴

Received: ۱۹/۰۲/۲۰۱۹
Accepted: ۱۴/۰۶/۲۰۲۰

Abstract

Communication ethics which is shared by both philosophical and applied ethics is going to answer two initial questions; one about the central goodness which we consider in every communication, and second about the method of communicating. This essay has examined these two basic ethical questions in Imam Musa Sadr's method of communication as extracted from the twelve-volume book "Step-by-Step with of Imam Musa Sadr", using content analysis . From among his methods of communicating, namely mixing with masses, holding a sit-in, holding a weapon, maintaining silence, favoring cultural balance, we can refer to his prominent one which was engaging in dialogs. This latter can in its turn be divided into two parts: religious and national. The function of this was to execute proximity among different sects. The religious side includes anthropological, ontological and Islamological dimensions; the national side deals with social, political and economic ones. Finally, the article specifies boosters and hindrances in the way of proximity as clarified by Sadr's communication patterns.

Keywords: Communication Ethics, Ethics, Communication, Conversation.

^۱ . Ph.D. of Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran f.hajhashem@gmail.com

^۲ . Professor of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran masesmaeili@yahoo.com

^۳ . Associate Professor, Department of Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran zakiani@atu.ac.ir

^۴ . Associate Professor of evaluating and measuring of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran drmasgari1393@atu.ac.ir

گفت‌وگوی امام موسی صدر از منظر اخلاق ارتباطی

فاطمه حاجی هاشم^۱

معصومه اسماعیلی**

غلامرضا زکیانی**

محمد عسکری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

چکیده

جهان معاصر با بحران‌های بی‌سابقه‌ای نظیر: رکود اقتصاد جهانی، فقر گسترده، نابودی زیست‌محیطی، نظامی‌گری و افزایش روزافزون استبداد و حتی افت کلی در استانداردهای اخلاقی پیرامون ما روبرو است و برای بررسی این مسائل نیازمند پرداختن به گفت‌وگو، برقراری ارتباط صحیح، شکستن تقسیم‌بندی‌ها و تشویق به درک متقابل به‌جای نفرت هستیم و درواقع نیازمند اقدام خلاقانه برای معرفی روش‌های جدید برقراری ارتباط هستیم. اخلاق ارتباطی به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اساسی است؛ یکی خیر مرکزی که در هر ارتباط به دنبال رسیدن به آن هستیم و دوم روش برقراری ارتباط. این مقاله به بررسی دو سؤال اساسی اخلاق ارتباطی اندیشمند مسلمان امام موسی صدر برآمده است که با روش تحلیل مضمون به استخراج از ۱۲ کتاب گام‌به‌گام با امام می‌پردازد. پس از بررسی روش‌های ارتباطی ایشان از میان شیوه‌های برقراری ارتباط صدر نظیر به میان مردم رفتن، تحصن، به دست گرفتن اسلحه، سکوت، توازن فرهنگی آنچه به‌عنوان روش غالب ایشان مطرح بود «گفت‌وگو» شناخته شد؛ در پاسخ به سؤال دیگر اخلاق ارتباطی یعنی خیر مرکزی ارتباط چیست؟ به تقریب در گفت‌وگوی صدر دست یافتیم که پس از تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر به دودسته موانع تقریب که شامل بعد فردی و اجتماعی و عوامل مؤثر در تقریب که یکتاپرستی، ملی‌گرایی، اعتماد و صداقت است، منتج شد.

واژگان کلیدی: اخلاق ارتباطی، ارتباط، اخلاق، گفت‌وگو، امام موسی صدر.

^۱ دانشجوی دکتری گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) f.hajihashem@gmail.com.
**استاد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
masesmaeili@yahoo.com
***دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
zakiani@atu.ac.ir
***دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. drmasgari423@atu.ac.ir

مقدمه

انسان امروز قادر است به مدد دانش و فناوری دروازه‌های دانش را بگشاید و در زمینه‌های گوناگون علم و فناوری پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشد؛ اما به نظر می‌رسد همچنان در حل مسائل مربوط به امور انسانی زمین‌گیر مانده است و هر روز بر دغدغه‌ها و اضطراب‌های او افزوده می‌شود (خاقانی بروجنی، بخشیان، ۱۳۹۵)، به همین سبب امروزه مسئله اخلاق در حوزه‌های گوناگونی از قبیل پزشکی (جیاکالونک، جورکویچ^۱، ۲۰۱۵؛ آسمانی، محمودیان، ۱۳۸۹)، حسابداری (کریستنسن، کات و لاتام^۲، ۲۰۱۶)، بهزیستی (بدی، آل پاس لان و گرین^۳، ۲۰۱۵)، مهندسی (بروجنی، خراجی، ۱۳۹۵)، سازمانی (عابدی رنانی، ۱۳۹۵)، مشاوره زناشویی (سالاری فر، یونسی، شریفی‌نیا، ۱۳۹۲)، سیاست (دماوندی کناری، ۱۳۹۷) مطرح و بیان می‌شود. یکی از این حوزه‌ها که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته بحث اخلاق در ارتباط است و از آنجاکه در فرهنگ انسان‌ساز اسلام مفاهیم عمیق و بلندپایه‌ای وجود دارد که می‌توان از آن‌ها در حوزه ارتباط و اخلاق یاری گرفت؛ از همین رو در این نوشتار تلاش شده است تا با بررسی روش‌های برقراری ارتباط امام موسی صدر که ارتباطشان از نمونه‌های وحدت‌بخش به‌ویژه در حوزه وحدت ملی است (عبدلی، ذکیانی، محمودنیا و باقری، ۱۳۹۴) به تجزیه و تحلیل و به مضامینی که در روش غالب ارتباطی ایشان مطرح است، پرداخته شود.

مبانی نظری

نظریه‌پردازان سه رویکرد فلسفی معروف اخلاقی معرفی نموده‌اند: اخلاقیات وظیفه‌شناسی (وظیفه‌گرایی)، اخلاقیات منفعت‌طلبانه (فلسفه سودجویی) و

۱. Giacalone, Jurkiewicz

۲. Christensen, Cote, Latham

۳. Bok, S. (۱۹۷۸). *Lying: Moral choice in public and private life*. New York: Random House., Alpaslan, Green

اخلاقیات فضیلت. فونتین (۲۰۰۵) معتقد است که اخلاقیات وظیفه‌شناسی^۱ غیرانعطاف‌پذیرترین رویکردی است که پایبندی به اصول بنیادین را به‌عنوان یک معیار کلی پذیرفته است؛ مانند صداقت که یکی از مصادیق آن را می‌توان ده فرمان موسی دانست (فونتین، ۲۰۰۵). کانت بزرگ‌ترین نماینده و سخنگوی مکتب وظیفه‌گرایی است که به اعتقاد مطهری (۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۱۵) در نقد عقل نظری از نظر مسائل مبدأ و معاد به شک می‌رسد و آن‌ها را کافی نمی‌داند؛ ولی در عقل عملی به وجدان می‌رسد و همان را علاوه بر این که اساس مکتب اخلاقی خود قرار می‌دهد، برای اثبات مبدأ و معاد و اختیار و آزادی کافی می‌داند. اخلاقیات نتیجه‌گرا^۲ و یا منفعت‌طلبانه بیشتر عمل‌گرایانه بوده و متمرکز بر نتایج و اعمالی است که برای اکثر مردم خیر بیشتری به همراه خواهد آورد. «انتخاب مسیر درست رفتاری در یک شرایط بخصوص، انتخاب جایگزینی است که به‌احتمال زیاد خیر بیشتری به منافع عمومی خواهد رساند» مطالعات جان استوارت میل در خصوص آزادی بیان یکی از این مصادیق است (هلبرت و اینگولی^۳، ۲۰۰۲: ۲۴).

یک خودپرست اخلاقی مدعی است که هر کس حق افزایش خودکامگی دارد. حد یک سیستم اخلاقی خودپرست به خود وی منتهی می‌شود. فیلسوف یونانی باستان، اپیکور را می‌توان اولین نماینده این نقطه‌نظر نامید. برای وی زندگی خوب اساساً لذت و تضمین حداکثر تفریح و خوشی ممکن است (پیشور و کیوس، ۲۰۱۵).

اخلاقیات فضیلت^۴ به شخصیت‌های معنوی می‌پردازد و شأن معنوی برای جایگاه افراد قائل بوده و تعهد بشریت برای توجه به هم‌نوع را برجسته می‌سازد

۱. Deontological ethics

۲. Consequentialist ethics or utilitarianism

۳. Halbert & Ingulli

۴. Virtue ethics

(هندلاتس و نیکولاس^۱، ۲۰۰۳: ۶). رویکرد مبتنی بر اخلاق فضیلت، بر بعد شخصیتی نسبت به قوانین و وظایف محوله (به عنوان اخلاقیات و وظیفه شناسی) و عواقب و نتایج اعمال (اخلاقیات منفعت طلبانه) تأکید بیشتری می کند. اخلاق فضیلت با اندیشه ارسطو پیوند بیشتری دارد (عابدی رنانی، ۱۳۹۵)، و همچنین در اندیشه جان استوارت میل، فیلسوف و اقتصاددان انگلیسی نیز همان ایده اپیکور وجود دارد که لذت در زندگی تنها نتیجه ای است که اهمیت دارد. باین حال، وی دل نگرانی اپیکور برای لذت خودمحور را نداشت. برای استوارت میل، لذت در جستجوی بیشترین خوشحالی برای بیشترین تعداد است (پیشور و کیوس^۲، ۲۰۱۵).

نسبیت گرایی اخلاقی غربی به شکل آشفتگی خود را نمایان ساخته است؛ به طوری که سنדרز^۳ (۲۰۰۳: ۱۴) عقیده دارد در روزگار پست مدرن ارائه چارچوبی جدید و ماندگار برای مسائل اخلاقی ممکن نیست، و آرنت، بل و فریتز^۴ (۲۰۱۰) نیز معتقدند که تفاوت های موجود در عصر پسامدرن ما را به این شناخت می رساند که اخلاق ارتباطی واحدی وجود ندارد؛ و به همین سبب خود نیز در پی ادغام چند نظریه از جمله نظریات بوبر؛ گادامر، فریر و آرنت برای ارائه نظریه ای در باب اخلاق ارتباطی گفت و گو برآمده اند و معتقدند که شالوده ارتباط را فضایل شکل می دهند؛ و هر پیام دهنده از طریق یک کنش ارتباطی از نوعی خیر محافظت و آن را ترویج می نماید. بکت^۵ (۲۰۰۳) نیز از نظریات یورگن هابرماس در توضیح اخلاق گفتمان یاد می کند.

شاید بتوان گفت که صدر (ج ۳: ۱۵۱) پاسخی برای چرایی این تشتت آراء دارد، آن جا که می گوید: "یکی از اثرات کنار گذاشتن خداوند و الگوهای آرمانی، از هم گسستگی جامعه و ضعیف شدن روابطی است که افراد جامعه را به هم پیوند

۱. Hendtlass & Nichols

۲. Kishore, Prem; Pius, TK

۳. Sanders

۴. Arnett; Bell; Frits

۵. beckett

می‌زند؛ اختلاف در مبانی و اصول سبب متفاوت بودن قواعد و متضاد بودن آنها با منافع و مصالح افراد می‌گردد و دیگر هیچ نقطه‌ی مشترکی برای پیوند دادن افراد به یکدیگر و همگرایی میان آنها وجود نخواهد داشت."

یکی از تعریف‌های جامع از اخلاق در دیدگاه اسلام، تعریفی است که مطهری در این زمینه بیان داشته است. به عقیده ایشان، علم اخلاق، علم زیستن یا علم به این است که چگونه باید زیست تا زندگی، سراسر ارزشمند و مقدس و متعالی باشد (مهرآذین، ۱۳۷۲).

صدر (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۴۷) نیز معتقد است که اخلاق هدف بلند تعلیمات دینی است و بخش اصلی در شکل‌گیری دین است و آنچه در اخلاق اسلامی مورد توجه است، مبارزه شدید با عواملی است که مانع پیوند انسان با دیگر موجودات می‌شود؛ مانند ترس یا مبارزه با عواملی که مانع تعامل بین انسان‌ها می‌شود، مانند بی‌رحمی و سنگدلی و دوری از مردم و غرور که موجب احساس خودبسندگی و مانع تعامل با دیگران می‌گردد، و همچنین کبر که مانع بهره‌مندی از فیوضات الهی می‌شود و استفاده دیگران را از شخص مغرور مشکل می‌کند. اخلاق اسلامی شامل بنیان ارزش‌های انسانی و راه‌های وصول به آنها و حفظ این ارزش‌هاست و در ادامه تأکید می‌کند که احکام اسلامی هستند که نگاهبان این ارزش‌ها هستند.

اخلاق ارتباطی

محققان مختلف حوزه ارتباطات تعاریف متفاوتی از اخلاق ارتباطی ارائه کرده‌اند، یوهانسون به همراه همکارانش درباره اخلاق ارتباطی با عنوان «اخلاق در ارتباطات انسانی» متنی را به رشته تحریر درآورده‌اند، ایشان معتقدند که مطالعه ارتباطات باید استانداردهایی برای انتخاب ارتباطات فردی، روزانه، بافتی، و سیاست‌ها و اقدامات نهادی / سازمانند فراهم کند (به نقل از یوهانسون، والد،

ویدیبی^۱ (۲۰۰۸)، سایر محققان برجسته از جمله جاکاس و پریچارد^۲ (۱۹۹۴)، درکشان از اخلاق ارتباطی را این گونه عنوان کرده‌اند: در مفهوم کلی اخلاق به این مسئله مربوط می‌شود که چطور باید زندگی کنیم. اخلاق بر سؤالاتی از این دست تمرکز می‌کند که چه چیزی درست یا غلط، منصفانه یا غیرمنصفانه، خوب یا بد، مسئولانه یا غیرمسئولانه و مانند آن است که همگی این تعاریف کاملاً مشخص هستند و هر یک به ارتباط اخلاق ارتباطی و مفاهیم خیر و خوبی اشاره می‌کند، آرنِت، آرنسون و بل^۳ (۲۰۰۶) دیدگاه جامعی درباره اخلاق ارتباطی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد هر دیدگاهی به یک «باید» صریح و ضمنی ارتباط دارد یا به تعبیری هر دیدگاه درصدد حفظ یک خیر خاص است (آرنِت، بل، فریتز، ۲۰۱۰)؛ در حقیقت اخلاق ارتباطی به معنای داشتن استانداردهایی برای تشخیص درست یا غلط بودن رفتارها از سوی فرستنده و گیرنده پیام است (فریتز^۴، ۲۰۱۴؛ هاراهاپ، هسیر و سواردی، ۲۰۱۷) که هم‌زمان دو نوع خیر را دربرمی‌گیرد: ۱- خیر اعلی که دیگر خیرها به سمت آن تمایل دارند و ۲- انتخاب روش مؤثر ارتباطی برای رسیدن به این خیر (آرنِت و همکاران^۵، ۲۰۱۰).

پیشینه پژوهش

آرنِت و همکارانش (۲۰۱۰) در تحقیق خود عنوان کرده‌اند که اخلاق ارتباطی به‌عنوان یک زمینه پژوهشی، از آغاز دوران دموکراسی در آتن تا نظریه انتقادی معاصر، وجود داشته و در آثار علمی توسط مؤلفانی مانند وود (۱۹۹۸، ۱۹۹۹)، یوهانسون (۲۰۰۱، ۲۰۰۲)؛ یوهانسون، والد و ویدیبی (۲۰۰۸)، آندرسون (۲۰۰۳)، هاید (۲۰۰۵، ۲۰۰۱) و پینکویسکی (۲۰۰۵) ارائه شده است (به نقل از آرنِت و

۱. Johannesen, R. L., Valde, K. S., & Whedbee, K. E

۲. Jaksa and Prichard

۳. Arnett, R. C., Arneson, P., & Bell, L. M

۴. Frits

۵. Arnett

همکاران، ۲۰۱۰)؛ در عمل نیز نیاز به اخلاق ارتباطی در روابط بین فردی آشکار است؛ زیرا پیامد آن اعتماد، کمک متقابل و بهزیستی است و بی‌شک نقض آن احساس نارضایتی، ناامیدی، خشم و حتی احساس گناه و پشیمانی و شرم و تنهایی را به همراه خواهد داشت (چنی، می، مانس^۱، ۲۰۱۱)؛ علاوه بر این، رعایت اخلاق ارتباطی سبب افزایش ارزش انسان گشته و کرامت انسانی را با تقویت حقیقت، عدالت، مسئولیت و احترام به خود و دیگران افزایش می‌دهد؛ زیرا که حوزه اخلاق ارتباطی در تفکر، تصمیم‌گیری و روابط بین فردی حوزه‌ای گسترده است که با اخلاق کلاسیک که به مفاهیم انتزاعی فلسفی می‌پردازد، متفاوت است و در روابط بین افراد جای می‌گیرد (بالارد، ارتیز، مک منوس^۲، ۲۰۱۶).

نقیب‌زاده (۱۳۷۵) در بخش اول کتاب خود در باره فلسفه اخلاق می‌گوید: "در ایران آنچه تاریخ شناخته شده و مدون فرهنگ انسانی نشان می‌دهد، زرتشت نخستین کسی است که در برترین پایه به ارزش‌های والای اخلاقی اندیشیده و با زبانی آسمانی درباره آن‌ها سخن گفته است. ارزش گفتار اخلاقی زرتشت تا بدان جا است که در دوران باستان دوستداران افلاطون برای ستایش او وی را با زرتشت می‌سنجیدند و فیلسوف نام‌آور آلمانی نیچه از زرتشت در نقش «آفریننده اخلاق» سخن می‌گوید" (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۵-۷۲)؛ علاوه بر آن دستورات مربوط به حفظ و صیانت از آزادی و کرامت انسان را (سال ۵۳۸ پیش از میلاد) در منشور کوروش مشاهده می‌کنیم؛ در دوران بالندگی اسلامی نیز دانشمندی چون غزالی، ملاصدرا و دیگران به این مهم پرداخته‌اند و حتی پیکره اخلاق عملی در آثار نویسندگان بزرگی چون حافظ، سعدی، مولانا، نظامی گنجوی و دیگران به خوبی نمایان است؛ آن‌گونه که پیداست یکی از ارزش‌ها و هنجارهایی که تحقق آن آرزوی دیرینه همه تمدن‌های بشری از قدیم تا به امروز بوده و هست فضایل اخلاقی است و

۱. Cheni, May, Mansh

۲. Ballard, Ortiz, Mc Manus

می‌توان گفت که انسان امروز بیش از گذشته به اخلاق و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی نیازمند است (خاقانی بروجنی، بخشیان، ۱۳۹۵). زیرا که بروز بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی در بخش‌های عمومی به صورت رسوایی‌های عمومی، تعجب بسیاری از مردم را برانگیخته است که چرا علی‌رغم وجود قوانین و محدودیت‌ها و پیامدهای مورد انتظار همچنان اعمال غیراخلاقی رخ می‌نماید (اسکال، مدرر، اسکال^۱، ۲۰۱۶). گفتنی است که حتی مکالمات ما نیز در محیط کاری، در خانه و یا در اجتماع دارای بعد اخلاقی است. به‌عنوان مثال مطالعات نشان داده که دروغ گفتن به قدری در جامعه رواج پیدا کرده که می‌توان آن را به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی (ردینگ^۲، ۱۹۹۶) و یا بخشی از مهارت‌های فردی برشمرد (میدلتون^۳، ۲۰۰۲).

باتوجه به همین موضوع، بسیاری از پژوهشگران به اخلاق ارتباطی پرداخته‌اند. در ایران نیز در خصوص اخلاق ارتباطی نمونه‌های به چاپ رسیده است که مقالات زیر از این دسته‌اند:

لطیفی و ظریفیان یگانه (۱۳۹۱) در خصوص نحوه‌ی اخلاق ارتباطی امام علی (ع) با مخالفان با استخراج از نهج‌البلاغه به تبیین اصول و روش‌های تربیتی پرداخته‌اند. حاتمی و غفاری (۱۳۹۴) نیز نقدی بر اخلاق ارتباطی نادینگز بر اساس دیدگاه جوادی آملی با تتبع در کتاب مفاتیح الحیات داشته‌اند. خانیکی (۱۳۹۴) با بررسی مثنوی مولوی سعی در فهم اخلاق و زبان ارتباط و گفت‌وگو در دنیای پُر راز و رمز اندیشه‌ی مولانا داشته که با عنوان اخلاق ارتباطی در اندیشه‌ی مولانا به آن پرداخته است. با تفحص محقق در بین کتاب‌ها نیز مورد قابل طرح در کتاب محمدی ری‌شهری (۱۳۹۲: ۹۰-۱۰۰) مشاهده شد که در کتاب الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث طی چندین صفحه مفاهیمی چون انس با دیگران، خوش‌خلقی، خوش‌گمانی، شوخ‌طبعی، ابراز شادمانی، مدارا کردن، نادیده‌گرفتن

۱. Scholl, Jessica A; Mederer, Helen L; Scholl, Richard W

۲. Redding, W. C

۳. Middleton, J.

خطای دیگران، کینه‌توز نبودن، رازداری، وفاداری، رعایت حقوق و شاد ساختن را از جمله مصادیق اخلاق ارتباطی عنوان کرده‌اند. محمدی (۱۳۹۳) نیز تواضع را یکی دیگر از مصادیق اخلاق ارتباطی دانسته است. ناصری مقدم (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی که با عنوان سهولت و مدارا در اندیشه و سیره امام موسی صدر انجام داده نشان داده است که صدر به‌غایت اهل مدارا و گفت‌وگو بوده‌اند. بطحایی (۱۳۹۰) در مقاله خود درباره امام موسی صدر راهکارهای وحدت‌جویانه امام موسی صدر را از جمله موضوعات بدیع و بکری می‌داند که توجه و تمسک به آن مسیر پرفروغی را برای ما می‌گشاید. تفحص در مقالات و کتاب‌های منتشرشده در ایران نشان می‌دهد که در حوزه اخلاق و اخلاق کاربردی مطالعات بسیاری صورت گرفته ولی در حوزه اخلاق ارتباطی به شکل حرفه‌ای نیاز به بررسی و پژوهش‌های بیشتری دیده می‌شود؛ این پژوهش درصدد پرداختن به روش‌های برقراری ارتباط و همچنین روش غالب در سیره امام موسی صدر و همچنین در پی پاسخ سؤال دیگر اخلاق ارتباطی یعنی خیر مرکزی در اخلاق ارتباطی امام موسی صدر چیست؟ می‌پردازد.

روش پژوهش: توصیفی - تحلیل محتوای مضمون

تحلیل مضمون یکی از روش‌های تحقیق کیفی، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های متنی است و اطلاعات پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند و ممکن است از پاراگراف، جمله، بخشی از جمله، عبارت و یا یک کلمه در جهت تحلیل استفاده کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶)، واحد تحلیل محتوا در این پژوهش، مضمون است که بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت الگویی، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه

۱. Braun & Clarke

سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده شده است تا باعث شناوری مضامین شده و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان آن‌ها تأکید شود.

جامعه مورد مطالعه پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق ۱۲ کتاب مؤسسه امام موسی صدر که شامل تمامی سخنرانی‌ها، نامه‌ها، تفسیرهای موضوعی ایشان و مصاحبه‌های مطبوعاتی و دیگر مواردی است که درباره زندگی ایشان در دوران حضور در لبنان تا پیش از ربوده شدن وی است.

روش جمع آوری داده‌ها: استفاده از اسناد

روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های متنی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهشگران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم شده است و دامنه وسیعی از یادداشت‌های شخصی، آمارها، صداها، ضبط شده و امثال این را در بر گرفته و پژوهشگران می‌توانند این داده‌ها را مورد استفاده قرار داده و یا دوباره تحلیل کنند و آن اطلاعات را برای کمک به حل مسئله پژوهشی معین به کار گیرند. این روش زمانی مورد کاربرد است که تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق در صدد شناسایی تحقیقات قبل در مورد آن موضوع برآمده باشد که پژوهش، نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب می‌نماید (ساروخانی، ۱۳۹۳) که در این بخش از مطالعه پیش رو، اندیشه و عمل صدر به عنوان یک منبع اسنادی معتبر پیرامون اخلاق ارتباطی، به عنوان روش جمع‌آوری داده‌هایمان قرار گرفته است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: طبقه‌بندی، مقوله‌بندی و توصیف و تفسیر داده‌ها

روش‌های مختلفی برای تجزیه و تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک فرایند خاصی را دنبال می‌کند. عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده (۱۳۹۰) در

مقاله خود که به توضیح روش تحلیل مضمون پرداخته‌اند، با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس^۱ (۲۰۱۰)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید - استرلینگ^۲ (۲۰۰۱) فرایند گام‌به‌گام و جامعی جهت تحلیل مضمون ارائه کردند که در قالب سه مرحله و شش گام معرفی شده است و در این تحقیق بر اساس آن تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است. ایشان این روش تجزیه و تحلیل داده‌ها را فرایندی غیرخطی توضیح داده‌اند که مستلزم فرایند رفت و برگشتی در کل مجموعه داده‌ها بوده و هر پژوهشگری با توجه به ماهیت و سؤالات تحقیق خود بر اساس تصمیمات و ابزارهایی که به کار می‌برد، می‌تواند آن را به سبک خاص خود استفاده کند.

این فرایند شامل مراحل زیر است: ۱- تجزیه و توصیف متن (آشنا شدن با متن - ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری - درک و شناخت مضامین) ۲- تشریح و تفسیر متن (ترسیم مضامین - تحلیل مضامین) ۳- ترکیب و ادغام متن (تدوین گزارش)

مطابق با روش ذکر شده، متون مورد مطالعه قرار گرفت و از همان ابتدا مفاهیم اولیه به صورت کدهایی ثبت گردید، در طول مطالعه با حرکتی رفت و برگشتی بارها این کدهای اولیه مورد توجه قرار گرفت و مفاهیم مشابه در یک دسته، طبقه‌بندی شدند که در نهایت هر چند کد اولیه به عنوان یک مفهوم پایه ثبت شد، سپس به دسته‌بندی مفاهیم پایه اقدام شد و مفاهیم مشابه در یک دسته تحت عنوان مضامین سازمان‌دهنده قرار گرفتند و در انتها مضامین سازمان‌دهنده با معنای مکمل و یا مشابه نیز در یک دسته با نام مضامین فراگیر قرار گرفتند. لازم به ذکر است حرکت رفت و برگشتی در طول تحقیق ادامه یافته و هر زمان مفهومی یا مضمونی به نظر محققان نیاز به اصلاح، اضافه و یا حذف داشته مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است.

۱. King, N & Horrocks, C

۲. Attride-Stirling, J

یافته‌های تحقیق

آرنت و همکاران (۲۰۱۰) عنوان می‌کنند که هر اخلاق ارتباطی دو نوع خیر را منتقل یا منعکس می‌کند که ممکن است جدایی‌ناپذیر باشند: یکی خیر ارتباطی است که روش‌های بیان مناسب یا ارتباط مناسب را تعریف می‌کند و دیگری خیر موجود در میان نظام فضایل، خیر جامع یا خیر اعلی است که سایر خیرها به سمت آن هدایت می‌شوند به تعبیری هر ارتباطی در صدد حفظ و گسترش یک فضیلت یا خیر خاص است که اخلاق ارتباطی به آن توجه می‌نماید؛ بر همین اساس ابتدا روش‌های برقراری صدر را تحت عنوان مضمون فراگیر روش فعال بررسی می‌نماییم و سپس به خیر اعلی در یکی از روش‌های ارتباطی صدر خواهیم پرداخت.

۱- روش‌های ارتباطی صدر:

بر اساس تحلیل انجام شده روش ارتباطی صدر با یک عنوان مضمون فراگیر: شیوه ارتباط فعال و ۶ مضمون سازمان‌دهنده: تمرکز بر نیازهای مردم، حفظ توازن در برابر اقوام و دیگر ادیان، تحصن، سکوت، مبارزه، و گفت‌وگو مشخص گردید که در جدول ۱ نمایش داده شده و در زیر به تفصیل به آن پرداخته شده است.

۱-۱- شیوه ارتباطی فعال:

انسان‌ها نیازمند روابط اجتماعی با دیگران هستند و این نیاز در تبادل پیام‌هایی ایجاد می‌شود که در نهایت آنها را بدون جداکردن ارتباطات به هم پیوند می‌دهد. پیام‌ها از طریق رفتار انسانی ظاهر می‌شوند. این پیام‌ها برای انتقال چیزی به کسی استفاده می‌شوند. بر اساس نظر یوهانسون (به نقل از هاراهاپ، سواردی، ۲۰۱۷)، مسائل اخلاقی همیشه در همه شکل‌های ارتباطی بین انسان‌ها وجود دارند و در نتیجه ارتباطات در ابعاد صحیح و غلط قضاوت می‌شود و همیشه شامل اثر معنی‌داری بر سایر انسان‌ها است و پیام‌دهنده آگاهانه یک هدف و راه‌های رسیدن به آن را انتخاب می‌کند. ارتباطات مختلف در حوزه‌های متفاوت وجود دارند و پیام‌ها می‌توانند کلامی یا غیرکلامی باشند (هاراهاپ، سواردی، ۲۰۱۷).

راه رسیدن به هدف موضوع قابل بررسی مهمی در اخلاق ارتباطی است به تعبیری برگزیدن خیر ارتباطی که از چه راه و با چه شیوه‌ای به خیر اعلی مورد نظر برسیم؟ (آرنت و همکاران، ۲۰۱۰). درباره امام موسی صدر باید گفت که ایشان مطابق عقیده‌ای که افراد برای اجرای بایسته نقش خود در هر دوره باید با توجه به فرمان خالق هستی و نیاز وطن به ایفای نقش بپردازند، خود نیز نمونه عملی این پیام بوده‌اند به این نحو که از ایشان در دوره‌های مختلف به ضرورت برهه تاریخی وطن، روش‌های ارتباطی متفاوت و گاه متضادی دیده شده است ایشان روش خود را «فعال» نامیده‌اند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۹: ۹۶)، پژوهشگران نیز مضمون فراگیر روش‌های اخلاق ارتباطی صدر را «شیوه ارتباط فعال» نامیده‌اند که در ذیل آن مضامین سازمان‌دهنده ارائه گردیده‌اند که شامل: تمرکز بر نیازهای مردم، حفظ توازن در برابر اقوام و دیگر ادیان، تحصن، سکوت، مبارزه و گفت‌وگو است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۱-۱-۱- تمرکز بر نیازهای مردم

رضاییان (۱۳۸۲) بر اساس منطق قرآنی نیازهای انسان را در ابعاد زیستی، روانی - عاطفی، معرفتی و ایمانی دسته‌بندی نموده است. امام موسی صدر از همان ابتدای ورود به لبنان برخلاف برخی از علمای به تعبیر ایشان سنتی بدون هیچ تکلفی به میان مردم رفته و با مسائل و نیازهای عمده مردم به‌ویژه شیعیان از نزدیک آشنا گشته و سپس در پی ایفای نقش خود به تدبیر و راه‌حل برای رفع مسائل و نیازهای موجود جامعه پرداخته‌اند؛ از جمله ثمرات و نتایج این روش توجه به نیازهای اساسی و پرداختن به آنها است که امام صدر در طول دوران ۱۸ ساله در لبنان انجام داده‌اند به این موضوع آذری خاکستر و نوعی (۱۳۸۹) و همچنین شیر آشیانی (۱۳۸۹) در مقالات خود به آن پرداخته‌اند که می‌توان به مواردی اشاره نمود از جمله در بعد نیاز زیستی نظیر: تشکیل سرپناه برای ایتام، مدارس فنی و حرفه‌ای، تأسیس کارگاه قالی‌بافی، ایجاد آموزشگاه پرستاری، راه‌اندازی درمانگاه و مراکز پزشکی، در بعد روانی - عاطفی نظیر: برقراری ارتباط عاطفی با مردم، تکریم انسان‌ها، جمع‌آوری گدایان شهر صورت؛ در بعد معرفتی:

آگاهی‌بخشی با شرکت در مراسم گوناگون ملی و مذهبی؛ راه‌اندازی مرکز و بررسی‌های اسلامی، و در بعد ایمانی: تربیت طلاب در حوزه علمیه‌ای که خود مؤسس آن بود.

البته صدر به نیاز دیگری نیز پرداخته است که شاید نتوان آن را در دسته‌بندی بالا قرار داد و آن نیاز به وحدت قومی و ملی در جهت حفظ تمامیت لبنان است و برای رفع این نیاز اقدام به تأسیس مجلس شیعان و تأسیس سازمان نظامی امل و ساماندهی جنبش امل با آموزش نظامی جوانان نموده است.

۲-۱-۱- حفظ توازن در برابر اقوام و دیگر ادیان

در حقیقت زمانی که امام موسی صدر در سال ۱۳۳۸ وارد لبنان شد، اندیشه و فکر در منطقه به اصطلاح خاورمیانه و جهان عرب عمدتاً اصالت خود را از سوسیالیسم و مارکسیسم می‌گرفت. افراد صاحب اندیشه در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی به بنیان‌های مادی سوسیالیستی اعتقاد داشتند و در این رابطه متون بسیار گسترده‌ای از زبان‌های غربی به عربی ترجمه شده بود. تفکر و اندیشه اسلامی به تدریج در میان جوانان و تحصیل کرده‌ها و گروه‌های حرفه‌ای جامعه وارد می‌شد. امام موسی صدر با تأسیس مرکز مطالعات اسلامی در لبنان، جوانان شیعه را از سوسیالیسم به سوی اسلام هدایت کرد. به عبارت دیگر، در فضای سیاست‌زده لبنان و دنیای عرب که مکاتبی مانند پان عربیسم، بعثیسم، سوسیالیسم، اگزیستانسیالیسم و غیره وجود داشتند امام موسی صدر جوانان را به سوی اعتقادات و اخلاق اسلامی سوق داد با این تفاوت که کار و فعالیت سیاسی را حداقل برای یک دهه مطرح ننمود. از این رو، امام موسی صدر قبل از آنکه مصلح سیاسی باشد، یک مصلح فرهنگی و اجتماعی بود. این نه تنها یک گرایش بلکه در حد یک استراتژی بود؛ در حقیقت سید موسی صدر با مبانی عمیق اعتقادات اسلامی خود، اوضاع را می‌سنجید و به نفع مسلمانان عمل می‌کرد. او از جمله افراد نادری است که قدرت ناشی از دیانت را وارد صحنه اجتماعی کرد و در دورانی که مارکسیسم و ناسیونالیسم دو مکتب حاکم بر جریان‌های فکری و سیاسی بودند، جایگزینی درخور را مطرح کرد (سریع القلم، ۱۳۹۴: ۲۳۰-۲۴۰؛ ۴۹). در نگاه دینی خود

احترام به انسان را سرلوحه قرار می‌دهد؛ ذکیانی (۱۳۹۳) معتقد است: در نگاه رایج، انسان در خدمت دین است و در نگاه امام موسی صدر دین در خدمت انسان. تمام افکار و سیره ایشان نیز بر اساس همین نگاه پایه‌گذاری شده است. با چنین اعتقادی است که ایشان تعدد ادیان را نه تهدیدی برای اسلام که دریچه‌ای برای شناخت واقعیت می‌دانند و از آن استقبال می‌کنند و در صحبت‌های متعدد بر جایگاه دین و انسان تأکید می‌کنند. آنجا که از انحراف ادیان می‌گویند زمانی است که وظیفه خویش، یعنی خدمت به انسان را فراموش کردند و در پی خدمت به خود برآمدند و دچار اختلاف شدند و رنج انسان افزایش یافت.

صدر در پی قوم‌گرایی نیز نبوده و خود می‌گوید: فرقه‌گرایی خطری حقیقی برای دین به شمار می‌آید زیرا منفعت‌طلبان و سیاستمداران و ثروتمندان بی‌درد، در این چارچوب فعالیت می‌کنند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۲: ۸۴) و به ملی‌گرایی نیز رنگ و بوی هم‌رنگی و هم‌گرایی می‌دهد آن‌جا که می‌گوید: اگر ملی‌گرایی به برتری عنصری بر عنصر دیگر عناصر تکیه کند، ما آن را نژادپرستی می‌خوانیم؛ ملی‌گرایی به معنی گرد هم آمدن عده‌ای از بنی بشر است که صاحب تاریخی مشترک و آمال و دردهای مشابه و فرهنگی نزدیک به هم هستند (ضاهر، ج ۲: ۱۱۱). ایشان رعایت برخی اخلاقیات را عاملی در رفع تشنگی و پراکندگی لبنان می‌دانند: من همراه برخی همکاران خود از علمای دینی بر این باوریم که اخلاص و خوش‌گمانی و رفتار مسئولانه و تحمل نقد و احترام به آرای دیگران و از این دست اصول اخلاقی، تا حد بسیاری به درمان این درد و حل مشکل کمک خواهد کرد (منظور آشفتگی و پراکندگی لبنان؛ ضاهر، ج ۲: ۲۲۰).

۳-۱-۱- تحصن

امام موسی صدر وقتی از گفت‌وگو با دولت درباره حفاظت و صیانت از جنوب لبنان ناامید می‌شود تصمیم می‌گیرد تا به همراهی مردم به‌عنوان عالمی دینی در مسجد تحصن کند (ضاهر، ج ۴: ۱۹۱ الی ۲۳۰). امام موسی صدر در پاسخ به کسانی که وی را متهم به فرار رفتن از حد خود می‌دانند و پیشنهاد می‌کنند که به ایمان خود بسنده کند تعریف ایمان را یادآور شوند که: ایمان آن نیست که از تخت

شما حمایت کند و منصب شما را حفظ کند و مردم را به سکوت و صبر دعوت کند. ایمان این نیست، بلکه در منطق قرآن این است: فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ. ایمان به خدا ایمانی است که انسان را بر آن می‌دارد تا در برابر رنج مردم ستم دیده آرام ننشیند: " ما آمن بالله و اليوم الآخر من بات شبعا و جاره جائع." (کسی که سیر بخوابد ولی همسایه‌اش گرسنه باشد، به خدا و روز بازپسین ایمان نیاورده است.) این ایمانی است که ما می‌فهمیم. چگونه من راحت باشم در حالی که جنوب هرروز بمباران می‌شود؟ چگونه من راحت باشم در حالی که هرروز مردم در حومه‌ی بیروت آواره‌اند؟ چگونه من راحت باشم ممکن است؟ امام علی (ع) می‌گوید: لا والله خلقت كالبهيمة المربوطة همها علفها (به خدا سوگند چون چهارپای در آغل بسته که همه مقصودش نشخوار علف است، آفریده نشده‌ام. انسانی که بی‌اعتنا به دیگران است، حیوان است و ما حیوان نیستیم. ما انسان هستیم ایمان ما چنین است (ضاهر، ج ۴: ۲۰۸ و ۲۰۹). و برای رسیدن به چنین تصمیمی می‌گوید: به این نتیجه رسیدم که گفت‌وگو دیگر سودی ندارد و گوش‌ها نمی‌شنود و وجدان‌ها نیازمند کسی است که آن‌ها را تکان دهد و ملامت کند و به این نتیجه رسیدم که کشور به چیزی قوی‌تر از اسلحه و قاطع‌تر از کلمه احتیاج دارد؛ آنگاه خود را در راه مسجد برای اعتکاف یافتم (ضاهر، ج ۶: ۹۰). به نظر می‌رسد ایشان در آن لحظه تاریخی برای ادای سهم خود در راه اعتلای وطن با توجه به عوامل چندی تصمیم به تحصن می‌گیرند که این عوامل را این چنین عنوان می‌کند نظیر: زمانی که فتنه‌ها کشور را فراگرفته و حق مورد ستم واقع شده است و زمانی که تا پای جان برای انجام مسئولیت شهروندی و ملی اقدام کرده‌اند ولی پاسخی نگرفته‌اند و در نهایت زمانی که سیاست به جای وسیله تبدیل به هدف و گذران زندگی شده است (ضاهر، ج ۶-۸۸).

۴-۱-۱- سکوت

سریع القلم (۲۴۰: ۱۳۹۴) یکی از خصلت‌های صدر را که باعث شده با دیگران در صحنه لبنان و حتی جهان اسلام متمایز گردد نحوه برخورد و تعامل با مخالفان

می‌داند، و ادامه می‌دهد از آنجاکه مرام و عملکرد و جهت‌گیری‌های امام موسی صدر منافع بسیاری را در صحنه اجتماعی و سیاسی شیعیان و غیرشیعیان به خطر می‌انداخت به طور طبیعی و باگذشت زمان، مخالفین و حتی دشمنان بسیاری پیدا کرد. اما نگاه تسلسلی و درازمدت امام موسی صدر، چهار ویژگی نهادینه‌شده در او ایجاد کرده بود که در برخورد با مخالفان بسیار مؤثر و مفید بودند: سکوت، خویش‌داری، گذشت و احترام فراوان. هر چهار ویژگی بنیان‌های اخلاقی داشتند و در صحنه سیاسی آشوب‌زده لبنان از کاربرد قابل توجهی برخوردار بودند. امام موسی صدر در هیچ مقطعی در پی حذف مخالفین خود نبود و بسیاری از مسائل را به روی خود نمی‌آورد. کاری را به کسی تحمیل نمی‌کرد و شاید بارزترین ویژگی امام موسی صدر در دایره اخلاق و سیاست در رابطه با مخالفین خود این بود که بدگویی کسی را نمی‌کرد. این خصلت‌ها تاکتیک نبودند بلکه در شخصیت امام موسی صدر به طور عمیقی نهادینه‌شده بودند. این طیف رفتاری با مخالف و این درجه از بزرگواری در هیچ مرام دیگری یافت نمی‌شود.

در بین روش‌های ارتباطی امام موسی صدر حتی سکوت نیز جایگاهی ویژه و تعریفی متفاوت دارد و از بررسی شیوه‌های ارتباطی ایشان به نظر می‌رسد که ایشان در دو جایگاه سکوت پیشه می‌کنند: الف - در مواقعی که اظهار نظر مستقیم باعث ایجاد فتنه می‌گردیده است نظیر زمانی که در سال ۱۳۵۴ حوادث خون‌باری رخ داد و در پی فاجعه‌ای که در اردوگاه عین البینه رخ داد و به شهادت رسیدن ۲۷ جوان شد، برخی تهمت‌هایی به جنبش امل زدند که امام موسی صدر از آن‌ها با عنوان «هولناک‌ترین تهمت‌ها» نامبرده است ولی همان زمان سکوت اختیار کرده‌اند زیرا بیم آن داشتند تا با پاسخ‌گویی به حملات ظالمانه وارد کشمکش‌هایی شوند که منجر به شدت یافتن تنش‌ها شود و تلاش‌ها را برای آرام‌سازی اوضاع خنثی کند؛ البته شایان ذکر است که در ادامه این شرایط مخالفان به ایراد تهمت‌های بیشتری پرداختند که امام موسی صدر پس از آرام شدن اوضاع درباره وقایع توضیحی مختصر می‌دهند (ضاهر، ج ۶، ص ۱۶۵). ب - هنگامی که افراد درباره خود ایشان به سرزنش و شماتت می‌پرداختند شاهد آن در حادثه‌ای است که

مخالفان سخنانی را بر ضد ایشان عنوان کردند امام موسی صدر در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی این‌گونه پاسخ می‌دهند که: به این حمله‌ها هرگز پاسخ نخواهم داد و یک دقیقه از وقت مردم را نیز با آن نخواهم گرفت، چرا که قرآن و میراث اسلامی به من آموخته است که وظیفه‌ی من محبت‌ورزی است حتی اگر با من دشمنی کنند؛ و در ادامه علت دیگر سکوت خود در برابر این حملات را این‌گونه بیان می‌کند: حمله به شخص من هیچ آسیبی به درستی این مسیر نمی‌زند؛ از این‌رو انگیزه‌ای برای جنجال و تنش وجود ندارد و وقت من برای خدمات بیشتر و جدیدتر صرف خواهد شد. همین برای من بس است و خداوند مرا بس است و او نیکو حمایتگری است^۱ (ضاهر، ج ۶: ۱۹۸).

۵-۱-۱- مبارزه

صدر به کارگیری سلاح را تنها در راه اهداف بزرگ ملی جایز می‌شمردند و در دو مورد مبارزه با اسلحه را اعتقاد داشت: الف - بر ضد دشمن صهیونیستی (ضاهر، ج ۷: ۱۷۰؛ ج ۹: ۱۶۴؛ ج ۶: ۲۱۴؛ ج ۴: ص ۱۲۶)؛ ایشان در سرمقاله‌ای به نام چرا و کی می‌جنگیم این‌گونه می‌گوید: در راه خدا ... جز برای عزیزترین هدف و در راه والاترین مقصود، نمی‌توان عزیزترین داشته‌های خود را تقدیم کرد. زندگی تنها سرمایه ما در هستی و تنها فرصت ما در عرصه جهان است، فرصتی که هرگز تکرار نخواهد شد. فداکردن زندگی، همه زندگی، آن‌هم در یک لحظه کوتاه جز برای هدفی شریف‌تر از زندگی و در راهی ماندگارتر و عزیزتر از آن یعنی در راه خدا که همان حق و حقیقت است، ممکن نخواهد بود ... برای انسان می‌جنگیم! ما برای دفاع از وطن که عبارت است از مجموع انسان‌ها نبرد می‌کنیم (ضاهر، ج ۷: ۳۰۰).

ب- برای محافظت از وحدت لبنان و جلوگیری از دسته‌بندی و تحقیر و توهین به انسان در سایه کابوس تفکر نژادپرستانه صهیونیست‌ها می‌داند (ضاهر، ج ۷: ۳۰۰).

۶-۱-۱- گفت‌وگو

۲۶. اشاره به آل عمران آیه ۱۷۳: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

در لغت‌نامه دهخدا گفت‌وگو به معنی صحبت، بحث و سخن آمده و در فرهنگ معین به معنای مباحثه و مجادله است. در واقع گفت‌وگو، پدیده‌ای از جنس سخن و کنشی شناختی اجتماعی است (حاج حسینی، ماهرو زاده، ۱۳۹۲) و با منازعه و مجادله متفاوت است؛ در منازعه فرض بر این است که یک طرف همه حقیقت مربوط به موضوع را دارد و طرف دیگر باید در مورد آن مطلع یا متقاعد شود (سویدلر^۱، ۲۰۰۷؛ ترجمه صالحی و مقری، ۱۳۹۳)؛ در مورد جدل نیز فارابی عنوان می‌کند که جدل، علمی است که به وسیله آن انسان قدرت می‌یابد تا با استفاده از مقدمات مشهور، برهانی را برای ابطال هر وضعی به کار گیرد^۲ در حالی که گفت‌وگو از تداخل میان افراد، شبکه‌ای از هم‌فهمی و هم‌زبانی را فراهم می‌سازد و با گفت‌وگو فراتر از هم‌سخنی، فهم و فکری مشترک شکل می‌گیرد و رویکردی مشترک برای شناخت مجدد فراهم می‌آید. بر این اساس، گفت‌وگو با پیشینه‌ای به دیرینه‌گی حضور اجتماعی انسان، همواره در عرصه‌های گوناگون ارتباطات انسانی به‌عنوان راهی برای ارتباط، انتقال و حتی کشف معرفت شناخته شده است. به‌ویژه بر پایه ماهیت معرفت‌شناختی آن، و با توجه به تناسبی که با انسان و شناخت او دارد، انگاره‌های فلسفی و نظریه‌های گوناگونی را به خود اختصاص داده و پیوسته با تغییر دیدگاه اندیشه‌گران به انسان و جایگاه او در ساخت واقعیت، نقش‌های متفاوتی به آن منسوب گردیده است (حاج حسینی، ماهرو زاده؛ ۱۳۹۲). آرنست و همکاران (۲۰۱۰) گفت‌وگو را اصل اول اخلاق ارتباطی قلمداد کرده‌اند، و معتقدند که گفت‌وگو باعث درک ما از تفاوت‌های موجود می‌شود؛ و بر اساس آن یادگیری باید بر اساس تفاوت‌ها تعریف شود. همچنین بر این باورند که در عصر ما یعنی دوران پسامدرن یادگیری باید بر اساس تفاوت‌ها تعریف شود.

به نظر می‌رسد این تعریف آرنست و همکاران با گفت‌وگوی صدر بسیار همخوانی دارد؛ زیرا که با توجه به وضعیت لبنان و وجود ۱۶ فرقه متفاوت و حضور

۱. Swidler, Leonard J. (۲۰۰۷).
 ۲. www.hawzahnews.com

قشر وسیعی از مسیحیان، امام موسی صدر روش برقراری گفت‌وگو و برقراری رابطه فرهنگی را برای دفاع از اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع انتخاب کردند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۹: ۱۲۲).

البته سخن از گفت‌وگو برخلاف برخی مباحث دیگر، تنها یک گفتار انتزاعی یا گفتاری علمی و محدود به قلمرو مسائل اندیشمندان نیست؛ بلکه به زندگانی روزمره انسان‌ها در جامعه نیز مرتبط است و گفت‌وگو همان گونه که می‌تواند به‌عنوان راهگشای مسائل اندیشمندان و نخبگان علمی و سیاسی قرار گیرد و در روابط خانوادگی و مراودات روزانه افراد عادی جامعه نیز کارآمد و سودمند است (باقی، ۱۳۸۳)؛ و البته امام موسی صدر یکی از علمای اسلامی است که گفت‌وگویش بین اندیشمندان دینی و عموم مردم بارز و شاخص است ایشان نه تنها در جامعه لبنان بلکه در جهان نیز با عنوان شخصیت صلح‌جو و گفت‌وگویی مطرح است (رسولی پور، ۱۳۹۶؛ ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۹: ۹۳)؛ زیرا آن چه در اندیشه صدر انعکاس یافته، سطح بالای ارتباط، یعنی همزیستی میان مسلمانان و اهل کتاب است، و به همین منظور وی شعار هم‌زیستی بین اتباع ادیان را، یکی از شعارهای محوری خود قرار داده و در راستای تحقق این شعار با بسیاری از سران مسیحیت در لبنان در تماس مداوم بود، حتی با پاپ هم گفت‌وگو کرد و به واتیکان سفر نمود (مبلغی^۱، ۱۳۸۹).

صدر جایگاه گفت‌وگو را در اسلام با آیه ۶۴ سوره آل عمران بازگو می‌کنند؛ همان آیه‌ی نورانی که می‌فرماید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته میان ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدا را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سواى خدا به پرستش نگیرد. اگر آنان روی‌گردان شدند، بگو شاهد باشید که ما مسلمان هستیم. ایشان در ادامه معنای گفت‌وگو را به برابری میان طرف‌ها به‌منظور رسیدن به راه‌حلی برای مشکلات

ذکر می‌کنند و معتقدند که این آیه بیانگر اعتراض به استعمار سیاسی و امپریالیستی و همچنین چیره نشدن فرهنگی و فکری عده‌ای بر عده دیگر است (ضاهر، ج ۹: ۹۴). زینی‌وند و اکبرزاده (۱۳۹۱) هدف از گفت‌وگو را تحت سه عنوان ذکر کرده‌اند: - تنها صحبت کردن درباره برخی موضوعات، ۲- قانع کردن دیگری برای جلب نظر درباره روش خود و ۳- فهمیدن و فهماندن که در پی آن رشد معنوی است؛ و بر اساس این تعریف و تفسیری که امام موسی صدر از این آیه نموده‌اند مشخص است که ایشان هدفی که از گفت‌وگو دارند نه برای تحمیل عقیده خود به دیگری است بلکه برای نزدیک شدن و تفاهم است و شاید به موجب همین روحیه و تفکر است که حتی در سخنرانی ایشان هم روح وحدت دیده می‌شود آن‌گونه که درباره‌اش چنین می‌خوانیم: زمانی که امام موسی صدر در کلیسای کبوشین بیروت به ایراد سخنرانی می‌پردازد همان‌جا که بزرگان مسیحیت لبنان در آن شرکت داشتند، از امام موسی صدر در بالاترین سطوح سیاسی و دینی فرقه‌های مسیحی به‌عنوان نماد «گفت‌وگو و همزیستی» تجلیل به عمل آمد. در همان جلسه و پس از سخنرانی امام موسی صدر شارل حلو رئیس‌جمهور اسبق لبنان درباره سخنرانی ایشان می‌گویند: نخستین بار در تاریخ مسیحیت، روحانی غیر کاتولیک در یک کلیسای کاتولیک و برای جمعی از مؤمنان در جایگاه موعظه سخن می‌راند، این اتفاق نه تنها اعجاب‌انگیز بلکه موجب تأمل و تفکر عمیق و دیرپاست (ج ۵: ۱۹۹).

صدر برای سخن جایگاهی ویژه قائل است و سخن را در سه جایگاه معرفی می‌نماید: سخن زنده، سخن مرده و سخن مخدر. ویژگی سخن زنده از نگاه صدر سخنی است که عامل تحرک بخشی است که کاروان انسانیت را به سرمنزل برادری، محبت و فداکاری سوق دهد و سخنی است که باارزشی بالا بتواند فرد را به امت تبدیل کند و راهی باشد برای تفاهم و همدلی و پیوند میان انسان‌ها با یکدیگر و پیوند میان گذشته و حال و آینده و در مقابل سخن مرده سخنی است که چنین ویژگی‌هایی نداشته باشد در جلد سوم از کتاب گام‌به‌گام با امام موسی صدر (صفحه ۲۰۵) آنجا که ایشان درباره عید سعید قربان سخنرانی می‌کنند این‌گونه

درباره سخن مرده می‌خوانیم: "سخن بر روی لبان ما مرده است، مرده است و در پی آن پیوند و اعتماد و پایبندی نیز مرده است و هر فردی غریب و تنها در ماتم سخن به سر می‌برد. از این روست که عید ساکت است و هرآنچه ما می‌گوییم یا می‌نویسیم، مرثیه‌خوانی و نوحه‌سرایی است. پس ساکت شویم و به ندای عید گوش بسپاریم و به حرکت برخیزیم، شاید از این راه بتوانیم روح و زندگی را به سخن و عید و همه‌ی عوامل تحرک‌بخش زندگی و الگوها بازگردانیم."

بر همین اساس به نظر صدر اگر تحرکی در جامعه‌ای وجود نداشته باشد تا انسان‌ها را به سمت برادری و محبت و سایر ارزش‌های انسانی رهنمون شود به این معنی است که سخن مرده است، اما صدر تنها به این دو نوع سخن اکتفا نمی‌کند و سخن مخدر را هم معرفی می‌کند: "ما وقتی می‌خواهیم بجنگیم به جای آنکه بیندیشیم و آماده شویم، حرف می‌زنیم. صدایمان را بلند می‌کنیم. با شور و احساس سخن می‌گوییم، سخنرانی می‌کنیم و شعار می‌دهیم و پس از آن، احساس آسودگی می‌کنیم. گویا تکلیف خود را انجام داده‌ایم. سخن گفتن به عاملی آرام‌بخش و مخدر تبدیل شده است. زیرا وقتی سخن نمی‌گوییم حس مسئولیت وجدان ما را به تلخی به کار و عمل وامی‌دارد؛ بنابراین، جشن‌های ما نوعی ادای وظیفه شده است. ما هدف و خود مناسب را در ورای غباری از جشن‌ها و شعارها پنهان می‌کنیم و این همان خطری است که نه تنها در جشن میلاد پیامبر بلکه در همه مناسبت‌ها، ما و امت ما را تهدید می‌کند."

در جلد ۵ صفحه ۱۱۳ نیز درباره همین نوع سخن می‌خوانیم:

برخی حرف می‌زنند، اعتراض می‌کنند، فریاد می‌زنند و سپس فکر می‌کنند که این گونه به وظیفه ملی خود عمل کرده‌اند. مردم خیلی اوقات می‌پندارند که این گونه وظیفه ملی خود را انجام داده‌اند. خطر بسیار سخن گفتن به جای کار و عمل، ما را به یاد این آیه شریفه می‌اندازد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ**^۱. از نظر قرآن، راه اصلاح گذشته

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و سخن درست بگویید. خدا کارهای شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بیامرزد

و آینده و راه اصلاح زندگی کنونی همگی در یک نکته خلاصه می‌شود: این که حرف را با عمل همراه کنیم و بیش از آنچه عمل می‌کنیم، حرف نزنیم. همان گونه که پیداست صدر برای سخن بدون عمل ارزشی قائل نیست و آن را مایه‌ی تخدیر می‌داند و همان گونه که در تنوع روش‌های صدر نشان داده شد، ایشان پویایی و عمل‌گرایی را همراه سخن ساخته و شاید برخی از تأثیرات سخنانش از همین رو است.

مجموع مطالب فوق در جدول ۱ در قالب مفاهیم پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر به نمایش درآمده است.

جدول ۱- روش‌های برقراری ارتباط صدر

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مفاهیم پایه	
شیوه ارتباط فعال	تمرکز بر نیازهای مردم	توجه به نیازهای اقتصادی	
		توجه به نیازهای فرهنگی	
		توجه به نیاز احساس کرامت در انسان	
		توجه به نیاز عاطفی مخاطبان	
		توجه به نیاز ایمانی مردم	
		توجه به نیاز حفظ همگرایی قومی و ملی	
	حفظ توازن در برابر دیگر اقوام و ادیان	تشریح مبانی اسلام	
		حفظ احترام به عقاید سایر ادیان	
		حفظ احترام به عقاید سایر اقوام	
		تمرکز بر دوستی مسلمانان و مسیحیان	
	تحصن	اعتکاف در مقابل اعمال خشونت علیه هم‌وطنان	
		خاموشی به هنگام فتنه‌ها	
	سکوت	تغافل در هنگام سرزنش شخصی از طرف دوستان	
		در برابر صهیونیست‌ها	
	مبارزه	در دست گرفتن اسلحه برای ممانعت از تجزیه لبنان	
		اعتقاد به سه جایگاه متفاوت برای سخن	
گفت‌وگو	گفت‌وگو راهی برای شناخت بیشتر		
	سخنرانی ابزار همگرایی		

پس از تحلیل روش‌های ارتباط صدر به جهت برجسته بودن گفت‌وگوی صدر در میان روش‌های ارتباطی‌شان و همچنین اهمیت گفت‌وگو در اخلاق ارتباطی سؤال دوم مطرح در اخلاق ارتباطی یعنی خیر مرکزی را در گفت‌وگوی ایشان بررسی نموده و سپس در ادامه به تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر در جهت رسیدن به خیر اعلی خواهیم پرداخت.

۲- **خیر مرکزی:** آرت و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کند که در هر نوع از روش‌های ارتباطی، خیری مرکزی وجود دارد که هر یک از طرفین ارتباط به دنبال حفظ و گسترش آن خیر برمی‌آیند. پس از تحلیل گفت‌وگوی صدر تقریب به‌عنوان خیر مرکزی در نظر گرفته شد و در ادامه با تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر به عوامل مؤثر و موانع تقریب خواهیم پرداخت. به موانع تقریب در دو مضمون سازمان‌دهنده بعد فردی و بعد اجتماعی، و حصول تقریب با مضامین سازمان‌دهنده ادراک مشترک، زبان مشترک، اعتماد و ارزش‌ها پرداخته شده است که در جدول ۲ نمایش داده شده. در ادامه تحلیل هر یک از این مضامین را پی می‌گیریم.

۱-۲- **تقریب:** خداوند در آیه ۹۲ سوره انبیا می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» و در آیه ۵۲ سوره مؤمنون این آیه را با واژه «فَاتَّقُونَ» ذکر می‌کند. بخش اول این آیه یعنی عبارت «ان هذه امتکم امه واحده»، ناظر به توحید کلمه، یا تقریب و وحدت است و بخش دوم آن یعنی «ان ربکم فاعبدون»، ناظر به کلمه توحید است. آنچه در ترکیب این دو عبارت شایان توجه است، تقدم و تأخر واژگان است. واژه‌ای که ناظر به توحید کلمه است، مقدم بر واژه ناظر به کلمه توحید است. این تقدم و تأخر واژگان، به گویندگان کلمه توحید، یعنی معتقدان به «لا اله الا الله»، متذکر می‌شود که زمانی می‌توانند از خیرات و برکات کلمه توحید بهره‌مند شوند که وحدت کلمه داشته باشند. مسلمانان معتقد به کلمه توحید هستند؛ خدا را یکی و معبود را خدای واحد می‌دانند. اما ضعف و سستی و وضعیت امروز مسلمانان در دنیا بر کسی پنهان نیست. اگر مسلمانان بر اساس دیدگاه امام موسی صدر متفق و متحد و منسجم بودند، هرگز وضعیت امروز را نداشتند (سلامی، ۱۳۹۵).

البته تقریبی که مورد نظر صدر است فراتر از وحدت بین مذاهب مسلمان است به گونه‌ای که در دایره تقریب صدر مسیحیان و دیگر فرقه‌های لبنان نیز قرار می‌گیرند و این مطلب را وفائی و شمالی (۱۳۹۲) این گونه عنوان می‌کنند: سیره عملی صدر در طول حضور بیست‌ساله خود در لبنان، تقریب میان مسیحیان و مسلمانان را نشان می‌دهد. این که یک مجتهد شیعی بتواند مورد اعتماد پاپ و اسقفان قرار گیرد و پایبند به تمامی خطوط قرمز اسلامی باشد، حاکی از یک الگوی موفق در عرصه تقریب است؛ بسیاری از اندیشمندانی که در این عرصه تلاش‌های فراوانی نموده‌اند، به درستی نتوانسته‌اند میان این دو هدف جمع نمایند (وفائی مغانی، شمالی، ۱۳۹۲)؛ اما نکته‌ای که در خصوص امام موسی صدر بارز است این است که هدف ایشان فراتر از وحدت میان امت اسلامی اعم از شیعه و سنی است بلکه ایشان با افق دیدی بسیار وسیع تمام انسانیت را مدنظر قرار داده‌اند و ایمان حقیقی را فارغ از جغرافیا می‌دانند (ضاهر، ج ۲: ۴۱۴).

البته از دلایل وحدت‌بخشی صدر سفرهای پیوسته، نشست‌ها، دیدارها و گفت‌وگوهای بسیاری است که برای وفاق طوایف، احزاب و فرقه‌های لبنان انجام داده است، دیدارها و تماس‌های او، طیف وسیعی از طبقات اجتماعی از جمله مردم عادی، رهبران طوایف و فرقه‌ها، مسئولان کشوری و لشگری، سفرای خارجی و مسئولان سیاسی کشورها رهبران مذهبی در سطح خاورمیانه، آفریقا، اروپا و آمریکا را شامل می‌شده است که به جرئت می‌توان گفت اغلب آن‌ها به هدف وحدت‌بخشی صورت گرفته است (عبدلی، ذکیانی، محمودنیا، باقری، ۱۳۹۴).

آنچه مشخص است امام موسی صدر توانسته‌اند در ابعاد نظری و عملی انطباقی ایجاد کنند که حاصل آن رسیدن به تقریب است. ایشان گفت‌وگو را باعث تقریب می‌دانند و با توجه به آیه ۱۳ حجرات این موضوع را نشان می‌دهند: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ"؛ ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید،

همانا بزرگوار و بافتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است (ضاہر، ج ۲: ۱۱۴، ۱۰۵، ۹۱).

صدر در عید پاک مسیحی در مقاله‌ای که در روزنامه الحیات نشر می‌شود درباره گفت‌وگو این‌گونه می‌نویسد: «گفت‌وگو راهی برای شناخت بیشتر و بهره‌مندی از دانش و عقل دیگران است» (ضاہر، ج ۱، ص ۱۵۳). اگر به اوضاع لبنان توجه کنیم و به وجود فرقه‌های مختلفی که در لبنان در کنار هم می‌زیسته‌اند، این جمله از صدر را پیامی می‌بینیم به تمامی فرقه‌ها همان‌گونه که در بسیاری از سخنان و گفت‌وگوی خود سعی کرده است تا تفاوت میان فرقه و فرقه‌گرایی را آشکار کند و وجود تفاوت‌ها را امری طبیعی، و لزوم داشتن جامعه‌ای پویا را در تعامل می‌داند و اشاره می‌کند که اساساً تنوع منجر به تفرقه انسان‌ها نمی‌شود بلکه باعث نزدیکی آنان به یکدیگر می‌گردد و حتی تنوع را عاملی می‌داند که نیاز انسان‌ها را به یکدیگر برآورده می‌کند و سبب شکل‌گیری اتحادی محکم در بین آنان و شکل‌گیری جامعه است؛ حتی فرقه‌ها را به‌عنوان پنجره‌هایی برای کشور لبنان می‌داند که به سبب آن‌ها خیر و برکت به وطن سرازیر می‌شود؛ ایشان معتقدند که این فرقه‌ها نیستند که در کشورها مانع رشد و یا بروز درگیری و جنگ می‌شوند بلکه فرقه‌گرایی و عدم گفت‌وگو چنین سرنوشتی را برای کشورها رقم می‌زند و برای مثال از کشور ایرلند یاد می‌کند که دو فرقه از یک دین به نبردی خونین پرداخته‌اند درحالی‌که در لبنان باوجود تنوع فرقه‌های مختلف به سبب گفت‌وگو مردم در همگرایی به سر می‌برند (ج ۲: ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷، ۴۲۵).

آن‌گونه که پیداست صدر گفت‌وگو را راهی برای شناخت بیشتر فرقه‌ها و انسان‌ها می‌داند و از طریق گفت‌وگو درصدد نزدیکی و تقریب فرقه‌ها برآمده است؛ به همین سبب در این پژوهش خیر مرکزی اخلاق ارتباطی صدر را تقریب قرار داده و به تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر در این راستا پرداخته‌ایم.

۲-۲- موانع تقریب: بسیاری از اندیشمندان اسلامی در پی تقریب بین مذاهب اسلامی به طرح موضوع پرداخته و موانع و عوامل تقریب را برشمرده‌اند از آن

جمله می‌توان به محسنی (۱۳۸۶: ۱۰۸) اشاره نمود که از جمله موانع تقریب را موارد زیر برشمرده است:

الف- علت خارجی که به دشمنان بازمی‌گردد و ب- عوامل داخلی که خود به دودسته ۱- برخی اقوام و گروه‌ها (تعصبات نژادی) و ۲- تخریب فردی به این معنی که افراد بانگیزه‌های فردی نظیر ریاست‌طلبی و کسب شهرت و ثروت مانع تقریب می‌گردند.

سبحانی (۱۳۷۹) نیز از جمله موانع تقریب به ۱- اختلافات کلامی و فقهی و ۲- اختلافات قومی اشاره می‌نماید.

از تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر با در نظر گرفتن خیر مرکزی تقریب دو مضمون سازمان‌دهنده بعد فردی و بعد اجتماعی مانع تقریب استخراج گردید. با هجرت از این عوامل منفی می‌توان به تقریب و نزدیکی انسان‌ها امیدوار بود.

۱-۲-۲- بعد فردی: در این بعد سه محور مانع تقریب شناسایی گردید:

الف - کنار گذاشتن خداوند و الگوهای آرمانی: از جمله مهم‌ترین عناصر مانع تقریب مطرح نبودن خدا و الگوهای آرمانی در زندگی جوان معاصر به‌عنوان تکیه‌گاه‌های او است، صدر در این باره معتقد است کنار گذاشتن خدا به مواردی منجر می‌شود از جمله: الف - آشفتنگی و نگرانی، ب - از هم گسستگی جامعه و ضعیف شدن روابطی که افراد جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ زیرا اختلاف در اصول و مبانی سبب متفاوت بودن قواعد و متضاد بودن مصالح می‌شود و دیگر هیچ نقطه‌ی مشترکی برای پیوند دادن افراد به یکدیگر و هم‌گرایی میان آن‌ها وجود نخواهد داشت (ضاهر، ج ۳: ۱۵۲)

ب - رفتارهای ارتباطی منفی: انانیت‌های فردی نظیر تکبر، عدم تحمل نقد، دروغ‌گویی، تردیدافکنی، اتهام‌زنی، ناسزا گفتن، و از این دست رفتارها موانعی برای همگرایی و تقریب انسان‌ها است (ضاهر، ج ۲: ۱۲۱، ۱۲۶، ۴۰۱، ۴۲۵) به تعبیری آنچه باعث می‌گردد افراد از هم دورتر شوند از یک منظر اشتباهات فردی است، صدر معتقد است: دین از تکبر و خودپسندی و بیان سخنان فتنه‌انگیز نفرت دارد، زیرا اگر این‌گونه رفتارها بر انسان چیره شود، میان انسان و دیگران مانعی پدید

می‌آورد و او را از یادگیری از دیگران و برقراری گفت‌وگو و ارتباط و همگرایی با دیگران بازمی‌دارد (ضاهر، ج ۲: ۴۲۵).

ج - سخن بدون عمل: یکی از مواردی که همواره دغدغه صدر بوده همراهی سخن و عمل است و آسیب‌هایی را از همراه نبودن ما در اثر بسیار حرف‌زدن و بسیار اندیشیدن و بسیار پرداختن به فعالیت‌های علمی و فلسفی و ایدئولوژیک از کارهای اولیه و ضروری دور شده‌ایم (ضاهر، ج ۵: ۱۱۴)؛ برخی حرف می‌زنند، فریاد می‌زنند و سپس فکر می‌کنند که این‌گونه به وظیفه‌ی ملی خود عمل کرده‌اند ... از نظر قرآن، راه اصلاح گذشته و آینده و راه اصلاح زندگی کنونی همگی در یک نکته خلاصه شده است: این‌که حرف را با عمل همراه کنیم و بیش از آنچه عمل می‌کنیم، حرف نزنیم (ضاهر، ج ۵: ۱۱۳). همان‌گونه که در صفحات قبل هم اشاره شد، صدر سخن بدون عمل را مایه‌ی تخدیر می‌داند.

۲-۲-۲- بعد اجتماعی: در این بعد نیز چهار عنوان مانع تقریب معرفی شده است که در یکی از عنوان‌ها با بعد فردی اشتراک دارد با عنوان کنارگذاشتن خداوند که هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی می‌تواند منجر به دوری افراد و اقوام گردد و به همین منظور از ذکر دوباره آن خودداری می‌نماییم و در ادامه به سه عنوان دیگر پرداخته می‌شود.

الف - فرقه‌گرایی: صدر با وجود گوناگونی فرقه‌هایی که در لبنان وجود دارد بسیار سعی در توضیح و جداسازی فرقه از فرقه‌گرایی می‌نماید و همان‌گونه که فرقه‌ها را برای وطن و جهان ضروری می‌داند، فرقه‌گرایی را عاملی می‌داند که مانع از تقریب و وحدت و همگرایی انسان‌ها می‌گردد، وی معتقد است که: فرقه‌گرایی، تعصبی نابخردانه و پنهان شدن در لاک خود در چارچوب یک فرقه‌ی واحد و دشمن شمردن دیگران است. فرقه‌گرایی خواه مسیحی باشد یا اسلامی، ارتجاع‌گرایی (واپس‌گرایی) است (ضاهر، ج ۱۲: ۸۵)، همچنین ایشان بر این باورند که فرقه‌گرایی خطری حقیقی برای دین است، زیرا منفعت‌طلبان از سیاستمداران و ثروتمندان بی‌درد، در این چارچوب فعالیت می‌کنند و فرقه‌گرایی مرکبی است که فئودال‌ها و بهره‌کشان و مقام‌پرستان بر آن سوار هستند، همان‌ها

که از گسترش حس فرقه‌ای سود می‌برند، زیرا این احساس، مرکبی برای بهره‌کشی آنان و پرده‌ای بر روی برتری‌جویی آنان است (ضاهر، ج ۱۲: ۸۴) و در همین زمینه می‌گوید: مدعیان در اینجا و آنجا همان کسانی که می‌گویند ما از فرقه خود دفاع می‌کنیم و از حقوق و کرامت آن محافظت می‌کنیم و به خاطر آن جان خود را می‌دهیم، درحالی‌که کشور را قطعه‌قطعه می‌کنند و برادران را از یکدیگر دور می‌کنند و رشته‌های وطن را از هم می‌گسلند و فتنه به پا می‌کنند، اینان دورترین مردم از خدمت به خدا و خدمت به فرقه‌ها هستند (ضاهر، ج ۶، ۱۴۳). البته صدر معتقد است که مشکل تنها در فرقه‌گرایی نیست بلکه در منفی‌نگری با به تعبیر دقیق‌تر خودبینی است، این ویژگی منفی به فرقه‌های گوناگون رنگ فرقه‌گرایی می‌دهد و رابطه‌ی میان احزاب را رابطه‌ای منفی می‌کند و اقلیم‌های گوناگون را از یکدیگر جدا می‌سازد (ضاهر، ج ۲: ۲۳۰).

ب - استفاده ایزاری از تنوع اندیشه: یکی دیگر از مسائلی که صدر بیم آن دارد که باعث تفرقه گردد تنوع اندیشه‌ها در لبنان است، در این باره می‌گوید: در لبنان مجموعه‌های متعدد و اندیشه‌های متنوعی مشاهده می‌کنیم. هم می‌توان از این رنگارنگی و تنوع در جهت تفرقه و پراکندگی جامعه سوداگری کرد، و هم می‌توان از آن در مقام پایگاه‌هایی برای تعاون و همیاری سود جست (ضاهر، ج ۲: ۱۲۶).

ج - عدم تمایل به گفت‌وگو: صدر اختلاف میان مردم را به عدم گفت‌وگو و عدم تحمل نقد مربوط می‌داند و معتقد است که در میان مردم اختلافی بر سر اصول و باورها وجود ندارد. بلکه اختلاف بیشتر در سطح اجراست که مقرون به منافع خاص است و منجر به شک و ابهام می‌شود. تحمل نکردن نقد و تمایل نداشتن به گفت‌وگو و شفافیت مزید بر علت است (ضاهر، ج ۲: ۲۲۰).

در یک کلام دوری از محوریت حق می‌تواند منجر به تشتت انسان‌ها گشته که پیامدی جز دوری و آشفتگی یک جامعه از هم ندارد لاجرم ضروری است تا با پرهیز از این موارد به حفظ وحدت کمک نماییم. در ادامه به تحلیل عناوین عوامل مؤثر تقریب در گفت‌وگوی صدر پرداخته‌ایم.

۲-۳- عوامل تقریب: اندیشمندان مسلمان عقاید متفاوتی درباره عوامل تقریب دارند نظیر: محسنی (۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۱۰) که به برخی از عوامل تقریب اشاره نموده است، از جمله: - تشکیل مدارس دینی مختلط از مذاهب مختلف، - انتشار نشریه مشترک ماهانه از سوی دانشمندان مذاهب، - تدوین و طبع نشر احادیث مشترک نبوی، - تشکیل جلسات تبلیغی مشترک در اوقات مناسب دینی، - اشتراک در غم و شادی پیروان سایر مذاهب که در یک مکان زندگی می‌کنند؛ درحالی‌که سبحانی (۱۳۷۹) عناصر و مایه‌هایی که می‌تواند امت اسلامی را در نقطه واحدی گردآوری کند دو گونه معرفی می‌کند: الف - آرمانی و عقیدتی و ب - کرداری و رفتاری و در ذیل عناصر وحدت ساز در عقیده و آرمان یکتاپرستی و یکتا گرای، یگانگی شریعت و آیین، وحدت رهبری، وحدت هدف را قید می‌نماید. آنچه در تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر به دست آمد با هیچ‌یک از موارد ذکر شده به طور کامل همخوانی ندارد، اما در برخی از عوامل مشابهت و یا پیوندهایی دارد، البته لازم به ذکر است که این پژوهش عوامل تقریب را در گفت‌وگوی صدر بررسی نموده است و صدر بسیاری فعالیت‌های دیگر نظیر آنچه عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) به‌عنوان رفتارهای وحدت‌بخش صدر ذکر می‌کنند انجام داده است، نظیر: تماس‌ها و سفرهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت وحدت‌بخشی، میانجی‌گری، تشکیل نشست‌ها و کمیته‌های ملی و غیره. به‌هر تقدیر مضامین سازمان‌دهنده از گفت‌وگوی صدر در جهت تقریب ۵ عنوان مشخص گردیده است که عبارت‌اند از: - یکتاپرستی، - تمرکز بر ادراک مشترک، - تمرکز بر زبان مشترک، - اعتمادسازی، - پرداختن به ارزش‌ها.

۱-۲-۳- یکتاپرستی: صدر عقیده دارد که مردم لبنان همگی مؤمن‌اند و وجه تمایز آن‌ها تنها هر کس بنا بر آیین خود خداوند را می‌پرستد (ضاهر، ج ۳: ۲۵۰)، وی اعتقاد به خداوند را مایه‌ی یکرنگی انسان‌ها می‌داند و باتوجه‌به آیه فطرت

انسان در بسیاری از گفت‌وگوهای خود از خداوند یاد کرده، و می‌توان گفت که یادآوری اشتراک در خدای واحد یکی از کلیدواژه‌های تقریب صدر است، خود معتقد است که باور به خداوند موجب احساس برابری میان انسان‌ها است، به طور مثال در ایمان به خداوند می‌گوید: دو خدا یا دو نظام وجود ندارد. دو گونه انسان وجود ندارد، سیاه‌وسفید، کوتاه و بلند، گذشته و حال و آینده، ثروتمند و تنگدست، همه چیز از یک عنصر پدیدآمده است؛ یعنی وجودی که در ورای هر موجودی از ذات خداوند می‌جوشد. این برداشت از توحید همه‌ی امتیازها و تبعیض‌ها را میان انسان‌ها ریشه‌کن می‌کند. چرا که براین اساس من از جنس دیگری نیستم. حق ندارید چون از خانواده‌ای فقیر یا ثروتمند و اصیل یا غیر اصیل هستید، خود را متمایز از دیگران و برتر یا فروتر از آنان بدانید. همه‌ی انسان‌ها از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند، این نگرش در انسان نوعی اعتقاد فکری نسبت به وجود مساوات میان انسان‌ها پدید می‌آورد (ضاهر، ج ۱۱: ۲۴).

۲-۲-۳- ملی‌گرایی: امام صدر بر اساس توجه به اجتماع به هویت ملی هم نگاه ویژه دارد. او می‌گوید عشق به وطن بخشی از ایمان است. وطن زمینه حرکت و پویایی انسان را فراهم می‌کند. وطن دوستی نه شعار و نه کسب‌وکار است، بلکه وطن تجلی ابعاد وجودی انسان است؛ حتی امام صدر درباره جنبش محرومان نیز می‌گوید که این جنبش نه اسلامی که ملی است و ما بر این باوریم که وجود فرقه‌های مختلف به باز شدن دریچه‌های تمدن به روی ملت لبنان منجر می‌شود. ملیت با قومیت منافاتی ندارد و بسیاری از ظرافت‌های بشری در ملیت آشکار می‌شود. عناصر ملیت عبارت‌اند از: فرهنگ، تاریخ، سیاست و سرزمین. وقتی

۱. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: آیه ۳۰ سوره روم

ملی‌گرایی تضعیف شود مصائب بسیاری رخ خواهند داد (ذکیانی، ۱۳۹۶) این مضمون را در دو بخش تمرکز بر ادراک مشترک و تمرکز بر زبان مشترک پی می‌گیریم:

الف - تمرکز بر ادراک مشترک: یکی دیگر از ویژگی‌های گفت‌وگوی صدر که به نظر می‌رسد در تقریب تأثیر داشته باشد اشاره به عناوینی است که در ادراک همگان مشترک است، مثلاً اشاره به وطن مشترک، اشاره به حوادث تاریخی مشترک و اشاره به جغرافیای مشترک و تمرکز بر کلیات سخن به جای پرداختن به جزئیات و تمرکز بر عقاید مشترک با مخاطبان است.

درجایی به ارزش لبنان اشاره می‌کند و می‌گوید: ارزش کشور ما بسیار است، ولی به دست‌های نیرومند و فراموش‌کردن منیت‌ها و فرقه‌گرایی‌ها نیاز دارد (ضاهر، ج ۲: ۲۰۴)؛ به تعبیری ارزش وطن را از هر قوم و قبیله‌ای بیشتر می‌داند که برای رشد و ترقی نیازمند رها شدن از خودخواهی‌های فردی و قومی است. وی در برخی سخنان خود به جغرافیای لبنان اشاره کرده و خواهان پیوستگی تمامی لبنان با یکدیگر است، در سخنرانی به مناسبت عید فطر می‌گوید: اگر در لبنان فریادهایی از شمال برخیزد که از حقوق هم وطنان در بقاع دفاع کند و اگر در منطقه جبل بانگ مردمان بلند شود تا حرکت عمرانی و تلاش‌های دفاعی با به جنوب لبنان بازگرداند و... این همان وطن‌دوستی حقیقی و همان وسیله بقا برای هر کشوری است (ضاهر، ج ۲: ۲۲۴).

در پاره‌ای از اوقات هنگامی که با فردی مخالف عقیده خودش روبرو می‌شده است، ضمن احترام به عقیده مخالف با یافتن ریشه‌ی مشترکی به‌ویژه وطن سعی در ایجاد وحدت می‌کرده است، نمونه این موضوع را در عبارات زیر می‌بینیم: "من دغدغه سؤال‌کننده یا کسانی را که دم از سکولاریسم می‌زنند، درک می‌کنم. آنان از فرقه‌گرایی ناراحت‌اند. درواقع، مفهوم فرقه‌گرایی با مفهوم تعدد فرق متفاوت است. فرقه‌های گوناگون مایه‌ی غنای کشور است، زیرا هر فرقه پنجره‌ای است به روی تمدن و می‌تواند هدایای ارزشمند و تجربه‌های کهن انسانی به کشور

تقدیم کند. البته اگر روابط میان فرقه‌ها روابطی در سطح ملی باشد (ضاهر، ج ۲: ۲۳۰).

ب - تمرکز بر زبان مشترک: منظور از زبان مشترک توجه به بعد عاطفی رابطه است. صدر می‌گوید: ما دو نوع ارتباط و وابستگی داریم: یکی ارتباط عقلانی و دیگری ارتباط عاطفی (ج ۲، ۱۳۰)، در همین راستا در بخشی از تفسیر سوره الرحمن می‌فرماید: احساس باید مکمل اندیشه باشد تا ایمان در نفس شکل بگیرد. و گرنه تفکر به تنهایی و جدا از محبت، بیش از هر چیز به کار فیلسوف پیری می‌ماند که به اندیشیدن بسنده می‌کند و خوب هم می‌اندیشد، اما هرگز نمی‌تواند اندیشه‌هایش را به کار ببندد (صدر، ۱۳۹۵). شاید به همین سبب است که صدر در مقابل مخاطب خود با آرامش به پرسش‌های او توجه می‌نماید: از هر کجا که پرسشی را پیش بکشی و هرطور آن را مطرح کنی، او آماده پاسخ‌گویی است. بدین ترتیب، احساس می‌کنی که او فقط روحانی نیست، بلکه دغدغه‌های انسان معاصر را عمیقاً درک می‌کند و از نگرانی‌ها و هراس و دلتنگی‌های آدمی به خوبی آگاه است (ضاهر، ج ۲، ۱۰۷)؛ خود نیز اعتقاد دارد: من تلاش کرده‌ام آنچه را درون مخاطب یا پرسشگر یا شنونده می‌گذرد، مثل شک‌ها و سؤال‌ها و اعتراض‌ها را بفهمم (ضاهر، ج ۲، ۸۰).

به نظر می‌رسد صدر با وجود برخی ویژگی‌های گفت‌وگویی نظیر گوش‌دادن به پیام مخاطب و ابراز درک و همدلی با او در رابطه خود فضایی را می‌سازد که افراد احساس درک شدن، شنیده شدن و پذیرش می‌کنند.

۳-۲-۳- اعتمادسازی: یکی از عناصر همگرایی صدر اعتماد است، دکتر خلیل احمد خلیل (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵: ۲۵۶) درباره صدر این‌گونه اظهار نظر می‌کند: امام صدر، پیش از بیعت، با ایجاد اعتماد و دوستی، میان دل‌ها الفت برقرار می‌کرد و هر کینه و دشمنی را با آشتی دادن، غافل‌گیر می‌ساخت؛ با هر محرومی که به قصد دیدن او می‌آمد، دیدار می‌کرد و یا خواسته‌ی او را برآورده می‌کرد و یا {حداقل} به او آرامش می‌بخشید.

ظاهراً صدر برای ایجاد اعتماد در میان مردم دو اصل را سرلوحه قرار داده و در سخن و عمل خود به آن پرداخته است:

الف - انجام فضایل اخلاقی و ترک اعمال غیر اخلاقی:

صدر اخلاق را چون نوری می‌داند که گروه‌ها و افراد را با یکدیگر پیوند می‌دهد و معتقد است اگر بد اخلاقی در جامعه رواج یابد زمینه همکاری مین مردم جامعه از بین خواهد رفت (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۰۵). وی معتقد است اگر انسان‌ها صفات و فضیلت‌ها را رعایت کنند، اعتماد و اطمینان بین افراد که عناصر اصلی اجتماع هستند روزبه‌روز قوی‌تر می‌شود. اجتماع سالم فقط با رعایت فضایل اخلاقی است که تداوم پیدا می‌کند، زیرا انسان در جامعه خویش زندگی و به آن جامعه خدمت می‌کند و در مقابل جامعه نیز از توانایی‌های او با توجه به اطمینان و اعتمادی که به او دارند استفاده می‌کند. اگر این اعتماد و اطمینان گرفته شود، بدین معناست که او از نظر اجتماعی مرده است و جامعه این فرد را از دست داده است. هر غیبت و ذکر سوئی از او ضربه‌ای به زندگی اجتماعی اوست و باعث سلب اعتماد دیگران می‌شود که این اعتماد همه وجود اوست، در این میان اطمینان کلیدی‌ترین حرف امام، اعتماد است که با غیبت از بین می‌رود. (ذکیانی، ۱۳۹۶).

ب - احترام:

صدر برای تقریب اندیشه‌ها بنا را بر احترام می‌گذارد و می‌گوید: شرط اساسی تقریب اندیشه‌ها اول احترام است که به دنبال آن اعتماد رشد می‌کند (ضاهر، ج ۲: ۱۲۶)؛ در جایی دیگر می‌گوید: شرط اساسی برای آن که ما بتوانیم این اندیشه‌ها و رنگ‌ها و تجارب متنوع را در کنار یکدیگر جمع آوریم و از آن برای تعاون و همیاری بهره ببریم، همان توجه به اصل احترام متقابل در میان مردم این کشور است (ضاهر، ج ۲: ۱۲۶).

صدر به شیوه گفت‌وگوی لبنانی اشاره می‌کند و آن را شیوه‌ای برای هم‌اندیشی ذکر می‌کند و در توضیح این نوع شیوه گفت‌وگو می‌گوید: در این شیوه به انسان احترام می‌گذاریم و دیدگاه و عواطف و عمل او را محترم می‌شماریم و خود را قیم او نمی‌دانیم و از طرف او سخن نمی‌گوییم (ضاهر، ج ۳: ۲۰۶).

در عمل نیز نمونه‌های زیادی از ادای احترام صدر به مخاطب را می‌بینیم.

۴-۲-۳- **صداقت:** منظور ما از صداقت مفهوم روان‌شناختی آن است که در این معنا صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی برخلاف گفتار و رفتارش نداشته باشد (سالاری فر، ۱۳۹۶: ۱۱۷) و هم به معنای راست‌گویی و هم در معنای هماهنگی گفتار با رفتار (باومن، به نقل از رستگار و همکاران، ۱۳۹۷).

الف - صدق در گفتار: صدر بر قداست گفته‌ها و بر تکریم گفتار انسان به اعتبار آن که جزئی از وجود انسان است، تأکید ویژه‌ای دارد و درباره اهمیت صدق در سخن در اسلام می‌گوید: اسلام کلام سنجیده و پسندیده و قول سدید را کلید بهره‌مندی از خیر و خوبی و دفع زشتی و شر به شمار می‌آورد. قول سدید در بسیاری از تعالیم، به گفته‌های پیراسته از دروغ و غیبت و تهمت و نمایی و ناسزا و لهو و لغو تفسیر شده است (ضاهر، ج ۱: ۲۲۸). ایشان تا آن جا به صداقت در گفتار پایبند است که می‌گوید: ما برای رسیدن به هدف درست و صحیح وسیله‌ی درست را به کار می‌گیریم، از این‌رو دروغ نمی‌گوییم، گزافه‌گویی نمی‌کنیم. هرچند مردم برنجدند، زیرا رنجش و خوشنودی مردم وسیله و راه رسیدن به هدف نیست (ضاهر، ج ۱۲: ۸۲).

ب - هماهنگی گفتار و رفتار: صدر یکی از مشکلات مسلمانان را رهاکردن دو اصل صدق و اخلاص می‌داند و درباره صدق می‌گوید: وقتی از صدق سخن می‌گوییم، مرادمان فقط صدق در کلام نیست بلکه صدق در وعده و صدق در بیان و صدق در کار را هم مراد می‌کنیم. این‌که فلانی در سخنش صادق است یعنی دروغ نمی‌گوید و اینکه در وعده‌اش صادق است یعنی به وعده‌اش عمل می‌کند و این‌که در عملش صادق است یعنی کارش را درست انجام می‌دهد و کم نمی‌گذارد و کم نمی‌گذارد و خلف وعده نمی‌کند و در کارش سستی نمی‌ورزد (ضاهر، ج ۲: ۴۴۸)، ایشان خود نیز مصداق بارز سخنانشان هستند به‌گونه‌ای که مجله السیاحه تحلیلی از فعالیت‌های امام موسی صدر با عنوان "خدا را سپاس که نعمتی چون امام موسی صدر را به لبنان ارزانی داشت" منتشر کرد و در بخشی از

این تحلیل می‌خوانیم: وقتی وظیفه اقتضا کند، یا از او دعوت شود تا در بین توده‌های انسانی حاضر شود، تردیدی به خود راه نمی‌دهد، هرچند مسافت طولانی و پیمودن آن دشوار و توان‌فرسا باشد. او همواره آماده‌ی رفتن به هر مکانی است که حضورش در آن جا موجب همبستگی، همدلی و آشتی به سود مصلحت عمومی باشد (ضاهر، ج ۶: ۳۰)

بر اساس موارد مطرح شده مفاهیم پایه و مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر در گفت‌وگوی صدر با خیر مرکزی تقریب در جدول ۲ به‌نمایش درآمده است.

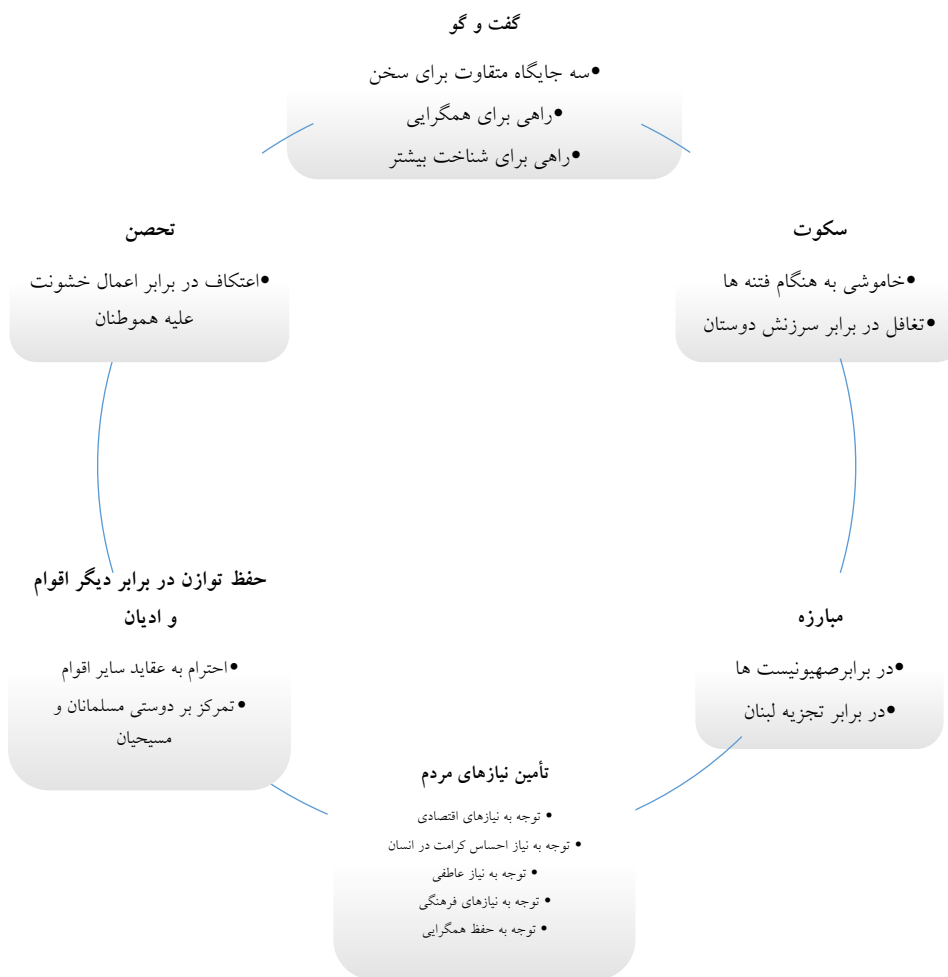
جدول ۲ - تحلیل مضمون گفت‌وگوی صدر با خیر مرکزی تقریب

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مفاهیم پایه
موانع تقریب	بعد فردی	کنار گذاشتن خدا و الگوهای آرمانی
		رفتارهای ارتباطی منفی
		سخن بدون عمل
	بعد اجتماعی	کنار گذاشتن و انکار خداوند
		فرقه‌گرایی
		استفاده ابزاری از تنوع اندیشه
عدم تمایل به گفت‌وگو		
عوامل تقریب	یکتاپرستی	اعتقاد به خدای یگانه و اخلاص
	ملی‌گرایی	تمرکز بر ادراک مشترک
		تمرکز بر زبان مشترک
	اعتمادسازی	انجام فضایل اخلاقی و ترک اعمال غیر اخلاقی
		احترام
	صداقت	صدق در گفتار
		هماهنگی گفتار و رفتار

نتیجه‌گیری

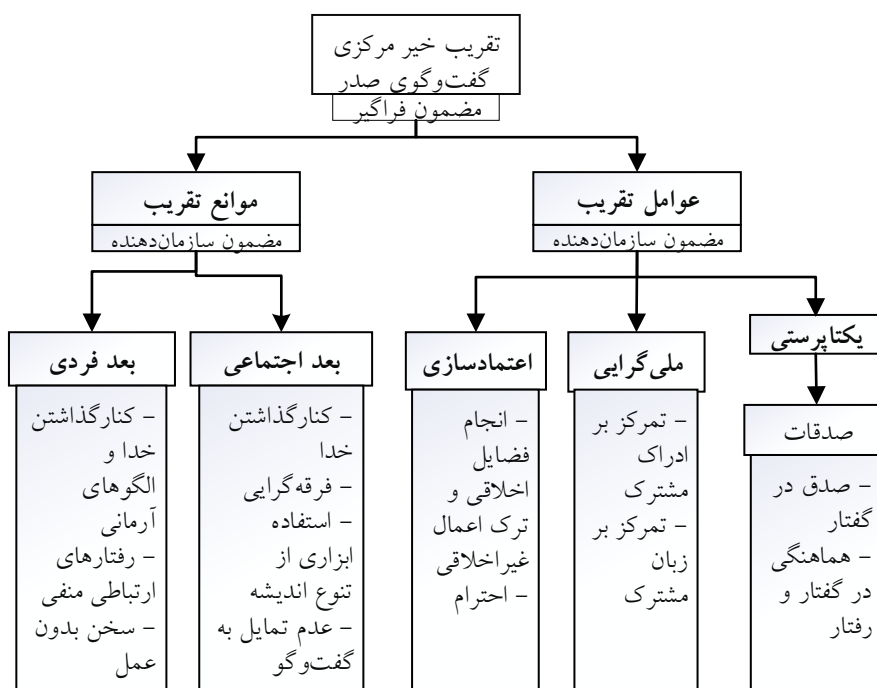
امروزه در برخی از حوزه‌ها شاهد افول اخلاق در انواع ارتباطات هستیم، پرداختن به اندیشمندان مسلمان و بررسی سیره آنان می‌تواند الگوهایی را فراهم نماید تا متصدیان تعلیم و تربیت با استفاده از محتوای به‌دست‌آمده به تربیت انسان‌هایی اخلاق‌مدار بپردازند. در این پژوهش اخلاق ارتباطی امام موسی صدر که یکی از رهبران اثرگذار مسلمان عصر حاضر است مورد بررسی قرار گرفت، و به دو پرسش مورد نظر در اخلاق ارتباطی یعنی روش برقراری ارتباط و خیر مرکزی در روش ارتباطی پاسخ داده شد. در مورد روش برقراری ارتباط صدر باید گفت ایشان در دوره‌های مختلف به‌ضرورت نیاز وطن یک شیوه را انتخاب نموده‌اند که در نمودار شماره یک در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده نمایش داده شده است.

نمودار ۱: مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهنده روش‌های برقراری ارتباط صدر



نتیجه بررسی‌ها نشان داد از میان روش‌های برقراری ارتباط صدر، شیوه گفت‌وگو بارزتر و مورد اتفاق نظر برخی از پژوهشگران این حوزه است، به همین سبب پرسش دوم مطرح در اخلاق ارتباطی یعنی خیر مرکزی در گفت‌وگوی صدر بررسی گردید و تقریب در معنی تقریب ادیان، مذاهب، افکار و عواطف به‌عنوان هسته مرکزی فضیلت در گفت‌وگوی صدر نشان داده شد، به تعبیری دال مرکزی خیر در گفت‌وگوی صدر تقریب تشخیص داده شد که دیگر خیرها حول آن قرار

خواهند گرفت؛ پس از مشخص شدن خیر مرکزی به دنبال تحلیل گفت و گوی صدر دو مضمون فراگیر موانع تقریب و عوامل تقریب در اخلاق ارتباطی امام موسی صدر به دست آمد؛ نتیجه مضامین فراگیر و سازمان دهنده گفت و گوی صدر در نمودار ۲ به تصویر درآمده است.



نمودار ۲- تحلیل مضمون صدر با خیر مرکزی تقریب

صدر در گفت و گوی خود به موانعی اشاره نموده است که باعث تشتت و پراکندگی افراد و اقوام هستند که از جمله آن‌ها رفتارهایی است که در حوزه فردی و اجتماعی اتفاق می افتد که از آن‌ها به عنوان موانع تقریب یاد کرده ایم، در صدر آن‌ها انکار و کنار گذاشتن خداوند است که باعث ایجاد منیت‌ها و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌های فردی و قومی می گردد که یکی از اثرگذارترین عوامل در دوری افراد و اقوام و احزاب از یکدیگر است، بعلاوه از رفتارهای خلاف اخلاق که منجر به کژ کاری در جامعه می گردد و همین‌طور حرف بدون عمل و عدم تمایل به گفت و گو نیز به عنوان مواردی اشاره شده که همگی مانع تقریب هستند.

در مقابل به عواملی اشاره و خود رفتار نموده که باعث نزدیکی افراد، اقوام، اندیشه‌ها می‌شود که در صدر آن‌ها یکتاپرستی است به تعبیری مهم نیست که افراد چه دین و مذهبی داشته باشند تأکید بر این نکته که اعتقاد به خداوند یگانه نقطه اتصال ما با دیگر ادیان و مذاهب است، منجر به تقریب می‌گردد، بعد از آن ملی‌گرایی یا اشاره و کار برای وطن که کل مشترکی است بین افراد، اقوام و ادیان یک کشور می‌تواند باعث نزدیکی دل‌ها شود؛ یکی دیگر از واژه‌های اصلی و کلیدی تقریب صدر، اعتماد است که اعتماد مورد نظر صدر از نوع اجتماعی است به این معنی که در صورت رعایت کردن اصول آن در سطح اجتماع، اعتمادی رخ می‌دهد که منجر به نزدیکی تمام اعضای جامعه و تعامل بیشتر افراد و پویایی جامعه می‌گردد، اصل اول این اعتماد، رعایت احترام به کلیه انسان‌ها است بدون در نظر گرفتن حزب، قومیت، نژاد و غیره و در بستر این احترام گفت‌وگو می‌تواند به نحو مؤثری شکل گیرد به تعبیری یکی از پیش‌شرط‌های گفت‌وگو اعتماد است که خود در نتیجه احترام ایجاد می‌گردد، عامل تأثیرگذار دیگر در شکل‌گیری اعتماد رعایت نکات اخلاقی و ترک اعمال غیر اخلاقی است، صدر معتقد است رفتارهای غیر اخلاقی نظیر دروغ، غیبت، تهمت به دو نحو به اجتماع لطمه می‌زند اول این که منجر به بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر گشته و دوم جامعه از توانایی‌های آن فرد بی‌بهره می‌ماند و به تعبیری منجر به منزوی شدن افراد جامعه از یکدیگر و در نهایت ایستایی جامعه می‌گردد بر همین اساس در ترک رفتارهای غیر اخلاقی تأکید و توصیه به رعایت مسائل اخلاقی به‌ویژه صداقت می‌نماید به دلیل اهمیت موضوع در نزد امام موسی صدر صداقت را در دسته‌ای جداگانه ذکر کرده‌ایم که به معنی هم صدق در گفتار و هم یکسانی سخن و عمل است.

همان گونه که رهبر معظم انقلاب در جمع بسیجیان فرمودند (۱۳۸۵): برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم است: تمرین و مجاهدت خود ما و دیگری آموزش‌های اخلاقی. امید آن می‌رود که مسئولین تربیتی جامعه از قبیل متصدیان تعلیم و تربیت در سطح کلان جامعه و در آموزش و پرورش و مربیان و اولیایی که دغدغه تربیت اسلامی دارند با بهره‌گیری از الگوهای نظیر گفت‌وگوی صدر، در پی تربیت اسلامی کودکان و نوجوانان و جوانان کشور برآیند.

کتابنامه

- آذری خاکستر، غلامرضا؛ نوعی، غلامحسین (۱۳۸۹). *همایش بین المللی امام موسی صدر، انسان، عقل و اخلاق*. فصلنامه تاریخ پژوهی، شماره ۴۴-۴۵، صص ۲۲۹-۲۴۳
امینی گلستانی، طاهر (بی تا). *اسلام دین صلح و گفت و گو با ادیان*. قم: نشر محمد امینی گلستانی.
- ایمانی، محسن؛ شرفی، محمود (۱۳۸۸). *بررسی و مقایسه‌ی مراحل سه گانه تحول فکری مارتین بوبر*. مجله: اندیشه دینی: شماره ۳۰، صص ۲۷-۵۶.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳). *گفتمان «گفتگو» در اسلام*. مجله: جامعه‌شناسی در ایران، دوره ۱۵، صص ۱۱۴-۱۴۵.
- بطحائی، سید علی (۱۳۹۶). *امام موسی صدر و دغدغه همگرایی جهان اسلام*. مجله هفت آسمان، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱۳۲-۱۱۹.
- حاتمی، عماد؛ غفاری نسب، ابوالفضل (۱۳۹۳). *بررسی انتقادی اخلاق ارتباطی نادینگز با تأکید بر دیدگاه جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیات*. مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۵، صص ۵۹-۸۴.
- حاج حسینی، منصوره؛ ماهرو زاده، طیبه (۱۳۹۲). *گفت و گو؛ از جدل فلسفی تا کنش تربیتی*. مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱، صص ۱۳۶-۱۶۱.
- خاقانی بروجنی، امیر؛ بخشیان خراجی، یاسر (۱۳۹۵). *اخلاق و ضرورت آن در جوامع مهندسی*. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صص ۲۷-۴۰.
- ذکیانی، غلامرضا (۱۳۹۳). *همایش ابعاد وجودی انسان*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ذکیانی، غلامرضا (۱۳۹۶). *چهل و سومین جلسه از سلسله درس گفتارهای اندیشه و عمل با موضوع «بنیادهای اجتماعی اخلاق از منظر امام موسی صدر، مؤسسه فرهنگی امام موسی صدر*.

- ذکیانی، غلامرضا (۱۳۹۷). *دین شناسی و انسان شناسی امام صدر و آثار تربیتی آن*. همایش «مدرسه تربیتی امام موسی صدر و دلالت‌های آن در زمان حاضر». رسولی پور، رسول (۱۳۹۶). *گفت‌وگویی صدر*. آرشیو سخنرانی در مؤسسه امام موسی صدر.
- رضاییان، علی (۱۳۸۲). *بررسی تطبیقی نظریه های علم و مدیریت با آموزه های اسلام*. مجله روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۷، صص ۸-۳۵
- زینی وند، تورج؛ اکبر زاده، فریبا (۱۳۹۱). *کاربرد امروزی گفت‌وگوهای قرآنی در پرتو اخلاق اسلامی*. پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۸، صص ۵۱-۸۰.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۹). *عناصر مؤثر در تقریب*. فصلنامه میقات حج، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۱۷۷-۱۹۵.
- سالاری فر، محمد رضا (۱۳۹۷). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، تهران نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۰). *پیشوایی فراتر از زمان: درآمدی بر نظام فکری و سیره عملی امام موسی صدر*. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- سلامی، مولوی نذیر احمد (۱۳۹۵). *سی و هشتمین درس نامه اندیشه و عمل*، مؤسسه فرهنگی امام موسی صدر
- سویدلر. *گفت‌وگو چیست؟ ترجمه: صالحی، مهدی؛ مقری، احمد* (۱۳۹۳). مجله هفت‌آسمان، شماره ۶۳-۶۴، صص ۱۷۳-۱۹۶.
- ۱ شیر آشیانی، پوریا (۱۳۸۹). *تاوان فهم بیشتر، نگاهی به زندگی و فعالیت های امام موسی صدر*. مجله خیمه، شماره ۶۹، صص ۴-۹.
- صدر، موسی (۱۳۹۳). *حدیث سحرگاهان، گفتارهای تفسیری امام موسی صدر*. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- عارفی مینا آباد، راهب (۱۳۹۴). *سیمای عباد الرحمن در قرآن*. جبل المتین: شماره ۱۳، صص ۱۷-۴۷.

- عابدی رنانی، علی (۱۳۹۶). *اخلاق فضیلت سازمانی: کاربرد اخلاق فضیلت در مدیریت*. مجله ادیان، مذاهب و عرفان، معرفت شماره ۲۳۹، صص ۶۱-۷.
- عبدلی، معصومه؛ ذکیانی، غلامرضا؛ محمودنیا، علیرضا؛ باقری، خسرو (۱۳۹۴). *مبانی نظری و روش های علمی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی*. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ۵، شماره ۴، صص ۵۷۳-۵۸۶.
- لطیفی، علی؛ ظریفیان یگانه، محمدحسین (۱۳۹۱). *اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی ع*. فصلنامه پژوهش نامه اخلاق، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۰۱-۱۱۵.
- محدثی گیلوایی، حسن؛ فلسفی، دریا (۱۳۹۳). *تحلیلی جامعه شناختی از آمادگی برای دروغ گویی*. ویژه نامه پژوهش زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صص ۱۳۳-۱۵۵.
- محمدی، جمال (۱۳۹۳). *عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت گزارش حسابرسی عملکرد*. مجله حسابرس، سال ۱۶، شماره ۷۱، صص ۱۱۰-۱۱۶.
- محمدی ری شهری، محمد؛ موسوی، رسول، پسندیده، عباس (۱۳۹۲). *الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث*. قم: سازمان چاپ و نشر.
- محسنی، محمدآصف (۱۳۸۶). *تقریب مذاهب از نظر تا عمل*. قم: نشر ادیان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *یادداشت های استاد مطهری*، جلد یازدهم، تهران: صدرا
- معیدفر، سعید؛ مقیمی اسفند آبادی، حسین (۱۳۹۱). *بررسی عوامل آموزشگاهی و تأثیر آن بر کج رفتاری*. مجله جامعه شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۱-۲۰.
- ناصری مقدم، حسین (۱۳۸۸). *کنفرانس امام موسی صدر، انسان، عقل، اخلاق*. دانشگاه فردوسی مشهد.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۵). *درآمدی به فلسفه*. چاپ سوم. تهران: انتشارات طهوری

Arnett, R. C. , Arneson, P. , & Bell, L. M . (2006). Communication ethics: The dialogic turn. *Review of Communication*, 6, 62-92.

Arnett, R. C., Harden Fritz, J. M., & Bell, L. M. (2010). Communication ethics literacy: Dialogue and difference. Thousand Oaks, CA: Sage..

Ballard, Robert L; Ortiz, Melba Vélez; and Bell McManus, LeeAnne M. (2016). Communication Ethics: A Vital Resource in an Ever-Changing World. Choice (volume 54 | number 2:10 0-160.

Braun, V. and V. Clarke (2006). "Using thematic analysis in psychology." Qualitative research in psychology 3(2): 77-101.

Cheney, George, May, Steve, & Munshi, Debashish. (2011). The handbook of communication ethics: Routledge.

Fritz, J. H . (2010). "Interpersonal communication ethics." The International Encyclopedia of Interpersonal Communication: 1-14.

Harahap, M. T . , H. H. Hasyim; Suwardi. (2017). "Communication Ethics Ibn Miskawaih and Its Relevance to the Solving of Moral Problems in Indonesia." International Journal on Language, Research and Education Studies 1(1): 119-126. Johannesen, R. L . , Valde, K. S . , & Whedbee, K. E . (2008). *Ethics in human communication* (7th ed.). Prospect Heights, IL: Waveland.

Jaksa & M. S. Pritchard (Eds.), Responsible communication: Ethical issues in business, industry, and the professions (pp. 14-20). Cresskill, NJ: Hampton Press.

Kishore, Prem, TK Pius (2010). Components of communication ethics: A critical inquiry. International Journal of English Research . Volume 1; Issue 1; November 2010; Page No. 6-12

Middleton, J. (2008, March 23). Picking porkies with science. *The New Zealand Herald*. Retrieved July 2, 2008, from <http://www.nzherald.co.nz/storydisplay.cfm?thesection=employment&thesubsection=&storyID=1291187>

Redding, W. C. (1996). "Ethics and the study of organizational communication: When will we wake up." Responsible communication: Ethical issues in business, industry, and the professions: 14-20.

Ronald C.A Arnett (LeeAnne M.B Bell (Janie M.H Harden Fritz) (2010). Dialogic Learning as First Principle in Communication Ethics. *Atlantic Journal of Communication*, 18:1 11-126: 111-128

Scholl, J. A . , H. J. Mieder, et al. (2016). "Leadership, Ethics, and Decision-Making." Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance. New York: Springer: 1-11.